

احساس منفی: تئوری «جنبه‌ی تاریک» زنجیره‌های آیین‌های تعاملی

دیوید بوینز و سارا لوری^{۱۱} مترجم: حمیرا حاجی محمدکاظمی^{۱۲}

چکیده:

تئوری راندال کالینز^{۱۳} درباره زنجیره‌های آیین‌های تعاملی^{۱۴} بطور وسیع نقل قول شده است، ولی جزئیات تئوری بسیار کمی از آن بیان شده است. یکی از دلایل گسترش نسبتاً کم این تئوری، مفهوم توسعه نیافته‌ی انرژی عاطفی است. این مقاله درباره احساس مرتبط با تجربه‌های ناخوشایند پویا توضیح می‌دهد. همچنین این پرسش را مطرح می‌کند که آیا احساسات منفی باعث ایجاد نوعی احساس متفاوت از احساسات مثبت می‌گردد؟ این تجزیه و تحلیل با دنبال کردن تئوری توسعه آیین‌های تعاملی آغاز شده و موضوعات اصلی بطور خلاصه بیان شدند. سپس به سمت مفهوم سازی قدرت احساس حرکت کرده و هر دو بعد مثبت و منفی آن را توصیف می‌کند. شش موضوع به بیان دینامیک اصلی احساس منفی می‌پردازد. نقش گروه‌ها در شکل‌گیری احساس مثبت و منفی، و همچنین این مسئله که این انرژی‌ها منابع چشمگیر انگیزه جامعه‌شناختی هستند، در نظر گرفته شده است

¹¹ David Boyns and Sarah Luery

¹² . دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی homeira_k844@yahoo.com

¹³ - Randall Collins

¹⁴ - زنجیره‌های مناسکی تعامل: دسته‌هایی از زنجیره‌های فردی کنش متقابل کم به موازات جریان یافتن، در زمان و مکان همدیگر را قطع می‌کنند.

(۱) مقدمه

یکی از تئوری‌های جامعه‌شناختی توسعه یافته در دهه‌های اخیر، تئوری آیین‌های تعاملی راندال کالینز (IRT)^{۱۵} می‌باشد. تئوری کالینز که بر مبنای تحقیقات امیلی دورکیم^{۱۶} و اروینگ گافمن^{۱۷} بنا شده است، به دنبال بیان اهمیت اتحاد احساسی و عبادی در زندگی روزمره است. اگرچه این تئوری بطور وسیع نقل قول شده است، ولی جزئیات تئوری بسیار کمی از آن بیان شده است. با وجود اینکه چندین مطالعه تجربی درباره این تئوری انجام شده است، ولی مطالعات بسیار کمی برای گسترش معماری این تئوری صورت گرفته است. ما ادعا می‌کنیم که این به خاطر ماهیت نامشخص یکی از مفاهیم اصلی تئوری کالینز یعنی "احساس" است.

درز حالی که کالینز بطور واضح منظور خود از احساس را بیان می‌کند، ولی نحوه تعریف عملکردی و یا ارزیابی تجربی آن هنوز مبهم است. همچنین نحوه ارتباط احساس با احساسات اصلی و عینی (مثل ترس، خشم، ناراحتی یا خوشحالی) و یا جزئیات ثانویه احساسات اولیه (مثل افتخار، شرم، عشق و خجالت) هنوز مشخص نیست.

۱۵ - این مدل از گافمن گرفته شده است و اشاره به این دارد که تعاملات منحصراً ابزاری نیستند اما رویه‌هایی هستند که نمادهای معرف عضویت گروهی را هم تولید و هم مصرف می‌کنند. در بیشتر موقعیت‌ها، به وسیله کدهای فرهنگی که با مردم گفتگو می‌کنیم محاط هستیم هر گفتگویی به سرمایه فرهنگی افرادی که در صحبت با هم وارد می‌شوند برخی چیزها را می‌افزاید که این سرمایه می‌تواند برای گفتگوهای آتی ذخیره شود.

¹⁶- Emile Durkheim

¹⁷- Erving Goffman

به علاوه، تحقیقات تئوری بسیار کمی درباره IRT و بیان ویژگی کیفیت‌های متفاوت احساس و خصوصا احساس منفی، انجام شده است که همین مسئله هدف اصلی این مقاله است. به دلیل آنکه تئوری کالینز اساسا بر احساس مثبت و ایجاد "احساسات خوب" متمرکز بوده است، توصیف کاملی از سمت تاریک (منفی) پویایی تجربه‌های احساسی نداشته است.

مسئله این نیست که IRT برای بررسی عبارات احساس منفی، رویدادها و تجربه‌های منفی بکار نمی‌رود؛ بلکه تحقیقات کالینز درباره این قدرت خود نوعی مثال است. با این وجود درحالیکه او بطور مکرر درباره تجارب احساس منفی مثل نفرت، تحقیر، خشم و رنجش بحث می‌کند، ولی درباره نحوه متناسب کردن این احساسات در تئوری احساسی توضیحی نمی‌دهد. ابهام این تئوری درباره نقش احساسات منفی چندین پرسش را برای توسعه IRT در آینده ایجاد می‌کند. شرایط اجتماعی که تجارب احساس منفی بوجود می‌آورند، چه نوعی از وضعیت احساس هستند؟ آیا احساسات منفی شکلی از احساس را ایجاد می‌کنند که از لحاظ کیفیتی با احساسات مثبت متفاوت است؟ آیا احساسات منفی نشان‌دهنده‌ی سطح بالا یا پایینی از احساس هستند؟ آیا انرژی احساس از طریق تجربه‌های احساس منفی کسب می‌شوند؟ اگر چنین است، چه مقدار از احساس مشترک متفاوت هستند؟ این مقاله به دنبال یافتن این پرسش‌ها و توسعه جزئیات تئوری آیین‌های تعاملی کالینز است. ما ادعا می‌کنیم که با بیان انواع متفاوت احساس و خصوصا نوع مثبت و منفی آنها، می‌توانیم تئوری قوی‌تر، پویا تر و قابل کاربردتری را برای تئوری IRT ایجاد نماییم.

این مقاله با مرور تئوری کالینز آغاز می‌شود. همچنین توسعه‌ی تاریخی تئوری را بررسی کرده و موضوعات اصلی آن را خلاصه می‌کند. سپس درباره قدرت احساس صحبت شده و تفاوت‌های اساسی بین احساس‌های مثبت و منفی بیان می‌شوند. بعد از آن، دینامیک‌های اصلی احساس منفی بیان شده و شش موضوع اصلی که پایه و اساس درک قدرت احساس هستند، ذکر می‌شوند. همچنین در این مقاله نقش گروه‌هایی که در شکل‌گیری احساس مثبت و منفی نقش دارند، بیان شده و با نتیجه‌گیری درباره اهمیت هر دو شکل احساس به عنوان منابع انگیزشی به اتمام می‌رسد.

۲) تئوری زنجیره‌های تعاملی آیین‌ها^{۱۸}

در ابتدا تئوری آیین‌های تعاملی کالینز عبارت‌های اولیه خود را در تضاد با تئوری پیدا کرد. در اینجا کالینز بیان می‌کند که پویایی آیین‌های تعاملی طبقه‌بندی شده، اساس پیدایش و حفظ طبقه‌بندی فرهنگ‌ها و سیستم‌ها هستند. این تئوری بیشتر در مقاله اصلی کالینز درباره IRT توسعه پیدا کرد و در آن اظهار داشت که آیین‌های تعاملی "بنیان‌های اصلی" هستند که کلاس فرهنگی، زندگی گروهی و تعاملات اجتماعی توسط آن توسعه یافته و با گذشت زمان تغییر پیدا می‌کند. کالینز عوامل اصلی "زنجیره‌های آیین‌های تعاملی" را توصیف کرده و نشان می‌دهد که چگونه آنها پیدایش بازاری از تبادلات فرهنگی و احساسی را برای استفاده و خلق مجدد دو منبع اصلی آسان می‌کنند: سرمایه فرهنگی و احساس.

¹⁸- The theory of interaction ritual chains

در تئوری IRT، تبادل سرمایه فرهنگی به عنوان محتوای آشکار یک تعامل اجتماعی مشخص، تعریف می‌شود. از دیدگاه کالینز، مکالمه ابزاری است که افراد خود را در یک ماتریس اجتماعی-فرهنگی از روابط میان فردی قرار داده و با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. سرمایه فرهنگی می‌تواند برای یک جامعه مشخص یا محیط فرهنگی عمومی باشد، یا می‌تواند برای گروه خاصی از افراد و هم‌تایان ویژه و متمایز باشد. درحالی‌که سرمایه فرهنگی به عنوان مکانیزم احتراق برای "جرقه زدن" تعاملات اجتماعی استفاده می‌شود، کالینز بیان می‌کند که تعامل‌های ایجاد شده‌ی ضروری و ناآشکار، نوعی تبادل انرژی میان شرکت‌کننده‌ها هستند. از دیدگاه کالینز، تبادل احساس بلوک اصلی برای ایجاد پیوندهای اجتماعی، همبستگی گروه، روابط میان فردی، کلاسی فرهنگی، شبکه‌های خلاقیت، جوامع هوشمند و نهایتاً ساختارهای ماکرو می‌باشد.

در حالیکه در تحقیقات اخیر کالینز به جزئیات ایده‌های اولیه اشاره شده است، ولی مقدمات اصلی IRT ثابت باقی می‌مانند. بنابر مطالعات کالینز، ترویج احساس به معنی حضور پیوند اجتماعی با ثبات بین شرکت‌کننده‌های یک تعامل است. همچنین به معنی عملکردی از تبادل موفقیت آمیز سرمایه فرهنگی و اندازه‌ی گروه می‌باشد. در تئوری کالینز، هرچه تبادل سرمایه فرهنگی میان اعضای گروه موفق‌تر بوده و گروه بزرگتر باشد، احساس بوجود آمده از افراد حاضر در تعامل بیشتر خواهد شد.

به منظور تبادل احساس، شرایط آیینی زیر باید همزمان انجام شود: حضور فیزیکی، تمرکز دوجانبه و توجه، حالت احساس مشترک، و مرزهای خارجی. زمانیکه شرایط لازم برای آیین‌های تعاملی وجود داشته باشد، و سطوح بالایی از احساس رخ بدهد، کالینز بیان می‌کند که افراد از طریق استفاده از نمادها به دنبال حفظ خاطره‌ی این احساس هستند. با این وجود بار احساسی که توسط نمادها حمل می‌شود، یک نیمه عمر طبیعی دارد و تمایل دارد که با گذشت زمان کاهش یابند، مگر اینکه از طریق آیین‌های تعاملی بعدی "مجددا زنده" شود. سطوح احساس مستقیماً به احساسات همبستگی گروه مرتبط هستند، مثلاً مقدار بیشتر احساس در نتیجه‌ی سطوح بالاتر همبستگی میان اعضای گروه و همچنین تمایل بیشتر به تکرار تعامل‌های مشابه.^{۱۹}

با دنبال کردن تحقیقات کمپر^{۲۰} متوجه می‌شویم که در تئوری کالینز، احساس^{۲۱} به انتظارات فردی اعضای تعامل موقعیتی بستگی دارد. به دلیل آنکه نتایج احساس توسط پویایی تبادلات اجتماعی احاطه می‌شود، افراد مستقل^{۲۲} با اغلب با داشتن انتظاراتی درباره نتایج احساس وارد موقعیتی می‌شوند. اگر این انتظارات برآورده شوند، سطح

^{۱۹} - مجموعه‌ای از روابط، به معلومات و امتیازات است که خود برای حفظ کردن یا بدست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می‌کند سرمایه فرهنگی چون کوشش شخصی کسب و به ارث برده نمی‌شود. کسب سرمایه فرهنگی کار طولانی - مداوم و پی‌گیر، یادگیری و فرهنگ‌پذیری را می‌طلبد. بورديو می‌گوید کودکان طبقه فرادست به میزان سرمایه‌گذاری پدر و مادرشان در سرمایه فرهنگی بهتر بار می‌آیند.

^{۲۰} - Kemper

^{۲۱} - Emotional

احساس اولیه در آنها باقی خواهد ماند. با این وجود، تجربه‌هایی که بطور مثبت انتظارات فرد را بالا می‌برند، بیشتر موجب افزایش احساس می‌گردند؛ درحالی‌که شرایط و موقعیت‌هایی که با انتظارات فرد در تضاد بوده و آنها را تحت فشار قرار می‌دهند، موجب کاهش احساس خواهند شد.

در جریان زندگی روزمره، نتایج احساس حائز اهمیت می‌شوند، چراکه بر تمایلات کلی افراد در زندگی روزانه و همچنین انتخاب‌های میان فردی که در بازار تعاملات اجتماعی دارند، اثر می‌گذارد. در تئوری IRT کالینز، افرادی که سطوح افزایشی احساس در تعاملات خود را انباشته می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که خلاقیت و اعتماد به نفس را به صورت ناگهانی در زندگی روزانه خود آشکار نمایند، درحالی‌که افرادی که احساس ذخیره شده در آنها باقی بماند، بیشتر احتمال دارد که دچار تجربه افسردگی، انزوا و بیگانگی شوند.

به دلیل آنکه کسب احساس نتایج مثبتی را در پی دارد، کالینز ادعا می‌کند که افراد به سمتی گرویده خواهند شد که احساس بیشتری را در پی داشته باشد. نتایج نهایی این تمایل به سمت انباشتن احساس نوعی ظهور الگوهای تعاملی است که در کنار تبادل سرمایه‌های فرهنگی مشترک قرار می‌گیرد. این تبادلات در زندگی گروهی شکل می‌گیرد و الگو یافته و ثابت می‌شوند، چراکه افراد از طریق آیین‌های تعاملی که از لحاظ فرهنگی و احساسی آشنا و فوق‌العاده هستند، بصورت دوره‌ای ظاهر می‌شوند. خلاصه‌ای از تبادلات دینامیکی تئوری کالینز در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: موضوعات اصلی در تئوری احساس^{۲۲}

احساس و تبادل اجتماعی	
۱	احساس نتیجه‌ی تبادل موفق سرمایه فرهنگی است و حاکی از یک پیوند ثابت اجتماعی است.
۲	موفقیت یک آیین تعاملی در میان گروه افراد، و تبادل احساس ثانویه، با وجود شرایط زیر افزایش می‌یابد: حضور فیزیکی، حضور فیزیکی، تمرکز دوجانبه و توجه، حالت احساسی مشترک، و مرزهای خارجی.
۳	احساس در نمادهای اجتماعی ذخیره می‌شود. بارهای احساس یک نیمه عمر طبیعی دارند که کاهش خواهد یافت، مگر اینکه از طریق آیین‌های تعاملی بعدی "مجددا زنده" شود.
۴	هرچه مقدار احساس تولید شده از آیین‌های تعاملی بیشتر باشد، همبستگی بین اعضای تعامل قوی‌تر خواهد بود.
۵	هرچه مقدار تعاملات بین مجموعه‌ای از افراد بیشتر باشد، بیشتر احتمال دارد که این افراد سرمایه فرهنگی و احساس را به اشتراک بگذارند.
۶	سطوح بالاتر احساس موجب افزایش ناگهانی اعتماد به نفس و خلاقیت می‌شود، درحالی‌که سطح پایین انرژی منجر به افسردگی و بیگانگی است.
احساس و قدرت / وضعیت پویا ^{۲۳}	
۷	اگر نتایج موقعیتی بیشتر از انتظارات فردی باشد، احساس افزایش خواهد یافت. و اگر نتایج موقعیتی کمتر از انتظارات فردی باشد احساس کاهش خواهد یافت. اگر انتظارات فردی برآورده شود، سطوح احساس حفظ خواهد شد.
۸	در شرایطی که ناهمسانی قدرت وجود دارد، کسانی که می‌توانند بر دیگری غلبه کنند، احساس کسب خواهند کرد. درحالی‌که کسانی که دیگران بر آنها غلبه می‌کنند احساس را از دست خواهند داد. مقدار احساس بدست آمده یا از دست رفته مستقیماً با قدرت نسبی آنها ارتباط دارد.
۹	در شرایطی که ناهمسانی شرایط وجود دارد، افراد ارشد که قادر به دستور

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی کاربردی

22- Emotional Energy and Social

23- Emotional Energy and Power / Status Dynamics

	دادن هستند احساس کسب می کنند، درحالیکه افراد تحت امر هستند احساسرا از دست می دهند. مقدار احساس بدست آمده یا از دست رفته مستقیما با وضعیت نسبی آنها ارتباط دارد.
۱۰	در شرایطی که قدرت و وضعیت برابر باشند، افراد موفق در تایید عضویت یک گروه مشترک، همه احساس را جذب می کنند. مقدار احساس کسب شده مستقیما متناسب با قدرت و وضعیت نسبی گروه افزایش پیدا می کند.
۱۱	هرچه قدرت اجتماعی، نمادین و فیزیکی گروهی که افراد آن تبادل آیینی موفق داشته دارند، بیشتر شود، سطح احساس برای افراد آن بیشتر خواهد بود.
احساس و تفکر^{۲۴}	
۱۲	پویایی احساس تفکر موازی با آنهاپی است که زنجیره های آیینی تعاملی را تحریک کرده اند.
۱۳	تفکر تمایل دارد تا درون مکالماتی جریان پیدا کند که دارای بیشترین نتیجه احساس باشد. هرچه احساس گرفته شده از تعامل بیشتر باشد، بیشتر احتمال دارد که تعامل به منبعی از تفکرات آینده تبدیل شود.
۱۴	زنجیره های آیین های تعاملی نمادهای مقدسی را ایجاد می کنند که با سطوح بالای انرژی تشدید می شود. هرچه احساس متصل به یک نماد بیشتر باشد، بیشتر احتمال دارد که این نماد به موضوعی در تفکرات آینده تبدیل شود.
۱۵	هرچه احساس بوجود آمده از یک تعامل بیشتر باشد، بیشتر احتمال دارد که این تعامل طنین انداز شده و به تفکرات آینده الهام شود.
۱۶	هرچه مقدار احساس در "بازتاب افکار" بیشتر باشد، احتمال ایجاد تفکرات خلاقانه بیشتر خواهد بود.

درحالیکه کالینز تئوری IRT را توسعه داد، دو فرایند اضافی

در جزئیات پویایی احساس برجسته می شود: عدم برابری قدرت و وضعیت و نقش آیین های تعاملی درونی. با دنبال کردن تئوری IRT

24- Emotional Energy and Thinking

در شرایط عدم برابری قدرت، افرادی که قادر به غلبه بر دیگران هستند احساس بیشتر کسب می‌کنند. درحالی‌که افرادی که مغلوب دیگران می‌شوند احساس را از دست خواهند داد. مقدار احساس بدست آمده یا از دست رفته مستقیماً با تفاوت‌های نسبی در قدرت میان شریکان تعامل ارتباط دارد. بطور مشابه، در شرایطی که وضعیت برابر نباشد، افرادی که قادر به امر کردن به دیگران هستند احساس را کسب کرده و افراد تحت امر آن را از دست می‌دهند. مزایای احساس قدرت و وضعیت با گذشت زمان جمع شونده هستند، مثلاً سطح قدرت بیشتر با وضعیت بالاتر بوجود آمده تناسب دارد و حتی احتمال بیشتری برای انباشتگی احساس نسبت به قدرت یا وضعیت در شرایط جدا دارد. زمانی‌که قدرت و وضعیت برابر باشند، افراد حاضر در آیین‌های تعاملی که عضویت در یک گروه را تایید می‌کند (بیشتر از طریق تبادل موفقیت‌آمیز سرمایه فرهنگی) انرژی بیشتری کسب خواهند کرد. مقدار احساس کسب شده توسط هر فرد مستقیماً با قدرت و وضعیت نسبی گروه در مقایسه با سطح قدرت و وضعیت گروه‌های دیگر، متناسب است. به علاوه، هرچه قدرت اجتماعی، نمادی و فیزیکی گروه برای افرادی که تبادل آیینی موفقیت‌آمیزی در آن دارد بیشتر باشد، سطح احساس بدست آمده برای هر فرد بیشتر خواهد بود. خلاصه‌ای از پویایی قدرت و وضعیت تئوری کالینز در جدول ۱ ارائه شده است.^{۲۵}

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی

^{۲۵} - تئوری کمپر (۱۹۷۸) در این رابطه به این شکل است بیان می‌کند که برای مطالعه روابط احساسی هم باید به فضای فیزیولوژیک و زیست‌شناسی و هم به احساسات برآمده از فضای اجتماعی پرداخت و براساس ساخت روابط قدرتی بین

تحقیقات کالینز درباره درونی کردن آیین‌های تعاملی بر مبنای تحقیقات اخیر او درباره تفکر جامعه‌شناسی و گسترش تئوری زنجیره‌های آیین‌های تعاملی در محدوده‌ی درونی " مکالمات درونی " بنا شده است. کالینز بیان می‌کند که پویایی احساس تفکر با زنجیره‌های آیین‌های تعاملی رودررو در مطابقت است، بطوریکه رویارویی که سطح احساس‌التری را ایجاد کند، در الگوهایی از تفکر طنین‌انداز می‌شود که در زمان شمول آن، اصرار می‌کند. آیین‌های تعاملی که احساس بیشتری را ایجاد کنند، بیشتر احتمال دارد که به صورت افکار عینی ترجمه شوند، اگرچه برای حفظ و نگهداری خاطره رویارویی آیینی، احساس‌شدید می‌شود. بنابراین از دیدگاه کالینز، به دلیل آنکه افراد " تشدیدکننده‌ی احساس هستند"، تفکر تمایل دارد تا وارد جریان مکالمات درونی با بیشترین نتیجه‌ی احساس شود. در نتیجه، هرچه احساس بدست آمده از تعامل بیشتر باشد، بیشتر احتمال دارد که آن تعامل، اعضای شرکت‌کننده در آن و نمادهای آن به منبعی برای تفکرات آینده تبدیل شوند.

مطابق نظرات کالینز، تفکر به بازتاب عینی پویایی تعاملات اجتماعی وابسته است. تعامل‌هایی که با احساس چشمگیر تشدید می‌شود، بیشتر احتمال دارد که وسعت تفکرات حتمی یک فرد را تشکیل بدهند. به‌عنوان مثال، هرچه احساس‌مربوط به نمادهای شارژ شده با تعاملات قبلی بیشتر باشد، بیشتر احتمال دارد که این نمادها

افراد می‌توان احساسات آنها را پیش‌بینی کرد. تئوری قدرت - وضعیت از نظر کمپر یک تبیین کلان از احساسات است.

در ذهن هشیار طنین‌انداز شده و به موضوع و الهام تفکرات آینده تبدیل شود. افکار طنین‌انداز شده‌ای که حاوی احساس بیشتر هستند، بیشتر احتمال دارد که خلاقیت، احساس همبستگی و دیگر فعالیت‌های پر حاصل را بوجود آورد. بنابراین با ایجاد سطح بالاتری از احساس، آیین‌های تعاملی با یکدیگر زنجیر می‌شوند تا شبکه‌ای برای شبیه‌سازی و القای اشتیاق، نوآوری، فعالیت هوشمند، و نهایتاً (زمانی که افرادی با احساس بالا با یکدیگر همراه شوند) جوامع هوشمند بوجود آورند. خلاصه‌ای از پویایی تفکر احساس در جدول آمده است.

بطور کلی، آنچه که از ایده‌ی اصلی IRT پدیدار می‌شود تصویری از زندگی اجتماعی است که افراد را به‌عنوان "بیشینه‌کننده‌ی احساس" نشان می‌دهد؛ افرادی که به دنبال حفاظت از سطح احساس موجود خود هستند، در حالیکه برای کسب احساس بیشتر در بازار معاملات نیز تلاش می‌کنند. به دلیل آنکه احساس "احساس خوبی" دارد، اعتماد به نفس ایجاد کرده و خلاقیت را افزایش می‌دهد، افراد بصورت مداوم از طریق فضای اجتماعی موجود "فرصت‌های بازار" هدایت شده و به دنبال شرایط و موقعیت‌های تبادل سرمایه فرهنگی هستند که در سطوح انرژی احساسی آنها در آنجا بتواند نگهداری شده و بالاتر برود.

بر خلاف مبتکرانه بودن تئوری IRT، آنچه که درباره آن برجسته و تا حدی آشکار است، درک یک‌بعدی احساس آن است. برای کالینز، احساس در زنجیره‌ای مستقر است که شامل سطوح پایین تا بالا می‌گردد. افرادی که ضامم اجتماعی کم دارند و یا از زندگی

گروهی مستثنی هستند، دچار سطح احساسی کم خواهند شد و در نتیجه دچار افسردگی، بیگانگی اجتماعی و کمبود اعتماد به نفس خواهند شد. بطور عکس افرادی که ضمايم اجتماعی معنادار بسیار زیادی دارند و پیوندهای همبستگی اجتماعی بزرگتری را تجربه کرده‌اند، سطح احساس بالاتری را بوجود آورده و اعتماد به نفس بالاتر، سودمندی و خلاقیت را تجربه می‌کنند. بنابراین برای کولینر، سطح نامحدود احساس منعکس کننده‌ی غرق شدن شدیدتر در روابط اجتماعی یا یک " یگانگی " جامعه‌شناختی در زندگی گروهی می‌شوند. بطورعکس سطح احساس صفر نشان‌دهنده‌ی کمبود کامل پیوندهای اجتماعی و احساسات همراه با قطع ارتباط و همکاری گروه می‌باشد؛ این شدیدترین نوع بیگانگی اجتماعی نام دارد. در حالیکه درک کالینز از احساس واضح است، باید توجه کرد که درون احساس IRT در سطح بالا یا پایین، همیشه مثبت است.

در مدل آیین‌های تعاملی کالینز، هیچ مفهوم مستقیمی از احساس منفی وجود ندارد. در حالیکه درک این مسئله که مدل کالینز چگونه ممکن است بیگانگی (و کمبود احساس افراد تحت امر را توضیح دهد، ساده می‌باشد. ولی درک اینکه تئوری چگونه ممکن است به توصیف احساسات منفی که اغلب در میان اراد در روابط بین فردی رشد می‌نماید، کمک کند مسئله‌ی دشواری است. مثلا تئوری کالینز بحث می‌کند ولی به نظر نمی‌رسد که بر روی بسیاری از احساسات منفی شدید مثل خشم پرهیزگار، غضب، تنفر، خجالت، خشم اخلاقی و انتقام که در مرکز آنالیز هستند، حساب کرده باشد. به عبارت دیگر مدل کالینز به توصیف پویایی احساس مثبت می‌پردازد.

در تئوری IRT، تجارب احساس منفی و "جنبه‌ی تاریک" پویایی احساس مورد تئوری‌پردازی وسیع قرار گرفته‌اند. در حالیکه کالینز مدل کوتاه‌مدت، احساسات ناپایدار و پویایی احساس تضادهای سختگیرانه را بیان می‌کند (چنانچه در بحران، بعدی، خشونت خانگی و خشونت جدال‌های ورزشی نشان داده می‌شود)، این مدل نه تفاوت انواع احساس را در نظر گرفته و نه پویایی اجتماعی بوجود آورنده‌ی تفاوت بین احساس مثبت و منفی را مشخص کرده است. در حقیقت مطابق عبارت فعلی کالینز درباره مدل IRT، احساس بوجود آورنده‌ی خشونت و نزاع از خلسه مذهبی^{۲۶} بوجود آمده، میهن‌پرستی مشتاقانه^{۲۷} و عشق رمانتیک قابل شناسایی به نظر نمی‌رسد. ما گمان می‌کنیم که دینامیک احساس نسبت به اشارات کالینز دارای جزئیات بیشتری می‌باشند و این آیین‌های تعاملی حول طیف وسیع‌تری از تجربه‌های احساسی سازماندهی شده‌اند. با در نظر گرفتن این مسئله، ما ادعا می‌کنیم که موقعیت‌هایی برای بیان جزئیات تئوری IRT کالینز وجود دارد که بر روی درک "قدرت" احساس‌ساز نوع مثبت و منفی کار می‌کند.

۳) حرکت به سمت مفهوم‌سازی قدرت احساس

در بیان مفهوم "قدرت" احساس بهتر است با بحث درباره انواع مختلف آیین‌های تعاملی آغاز کنیم که در گفته‌های کالینز، نتایج احساسی و با انرژی بیشتری را در پی داشته است. به‌عنوان مثال کالینز بیان می‌کند

²⁶- Religious ecstasy

²⁷- Enthusiastic patriotism

که احساس می‌تواند نتیجه‌ی تعدادی از تعامل‌های متفاوت و برجسته میان افراد باشد.

شرکت در برخی از رویدادهای تجمعی مثل یک نمایش سیاسی بزرگ، یا به عنوان یک ناظر در برخی از لحظات سرگرمی یا ورزشی مشهور؛ یا یک رویارویی شخصی از یک تجربه جنسیتی تا یک تبادل پیوند دوستانه‌ی قوی، یا دشنام و تحقیر؛ جو اجتماعی شرابخواری، مصرف مواد یا پیروزی در قمار؛ صحبت طعنه‌آمیز یا مسئله‌ی خشونت.

احساس نتیجه‌ی رضایت از اجتماعی‌های عمومی، وجد از رویارویی جنسیتی، پیوند تبادلات دوستانه و همچنین تجارب تحقیرآمیز، اظهارات مغضوب و حادثه‌های خشونت‌آمیز می‌باشد. بطور واضح احساس حاصل تفاوت انواع تعامل‌های اجتماعی می‌باشد که برخی از آنها به عنوان قطب‌های مخالف در نظر گرفته می‌شوند.

برای کمک به بیان این اختلاف‌ها بهتر است تا آیین‌های تعاملی به عنوان نتیجه‌ی دو نوع احساس منحصر به فرد و واگرا معنی شود: مثبت و منفی. احساس مثبت ee^+ به عنوان احساس مناسب در تئوری کالینز شناخته شده و معمولاً وضع احساسی یک فرد نسبت به عضویت در یک گروه یا یک اجتماع را منعکس می‌کند. احساس منفی ee^- به عنوان احساس مخالف فرد نسبت به عضویت در یک گروه یا اجتماع را نشان می‌دهد. به این ترتیب ee^+ احساس مثبت و ee^- احساس منفی را توصیف می‌کند. مطابق گفته‌های کالینز، سطوح پایین ee^+ منجر به احساس ناراحتی و افسردگی شده و می‌تواند

تجربه‌های اجتماعی مثل خستگی، بیگانگی و انزوا را ایجاد کند. سطوح بالای ee^+ منجر به احساس خوشحالی، عشق، وجد، اشتیاق و شوق می‌شود؛ احساساتی که کالینز از آنها به‌عنوان "دراماتیک" یاد می‌کند. کالینز بیان می‌کند که این احساسات می‌تواند منجر به ایجاد تجربه‌های اجتماعی مثل تعلق خاطر، اعتماد، اعتماد به نفس و همبستگی شود. در مفهوم سازی مجددی که ما انجام دادیم، اضافه می‌کنیم که ee^- منجر به احساساتی مثل کناره‌گیری و آزدگی و تجربه‌های اجتماعی عدم دوستی و رفاقت، کنار بودن و ناامیدی می‌شود. سطوح بسیار بالاتر ee^- می‌تواند احساسات "دراماتیکی" مثل شرمندگی، تنفر، خشم، کینه، خونخواهی، غضب و ترس و تجربه‌های اجتماعی مثل نزاع، تجاوز، بی‌اعتمادی، ظلم و ستم و انتقام را نشان بدهد.

توضیحی از تفاوت بین احساس مثبت و منفی در جدول ۲ ارائه شده است. این جدول به‌عنوان یک وسیله کشف‌کننده برای روشن کردن تفاوت بین احساس‌های مثبت و منفی و هدایت بیشتر جزئیات تئوری و پرسش‌های تجربی در مورد تئوری IRT پیشنهاد شده است. احساسات ویژه‌ای که در این جدول اشاره شده‌اند از تحقیقات مشترک با کالینز گرفته شده‌اند. به‌عنوان مثال، کالینز سطح بالای احساس را به عنوان تجربه‌های احساسی "قدرتمند" مثل وجد^{۲۸}، اشتیاق^{۲۹} و عشق^{۳۰}؛ و سطوح پایین‌تر احساس را منجر به تجربه‌های افسردگی^{۳۱}،

28- Ecstasy

29- Enthusiasm

30- Love

31- Depressing

شرمندگی^{۳۲} و عقب‌نشینی^{۳۳} توصیف می‌نماید. در حالیکه احساسات ویژه به‌عنوان منعکس‌کننده‌ی سطوح "بالا" یا "پایین" قدرت احساس طبقه‌بندی می‌شوند، ولی بررسی‌های تجربی درباره این تجربه‌های احساسی برای اصلاح این طبقه‌بندی‌ها نیاز خواهد بود. همچنین این طبقه‌بندی‌ها به ایجاد چارچوبی برای سوالات مهم در زمینه‌ی پیشرفت IRT و جامعه‌شناختی احساسات و یا نحوه‌ی تاثیر گرفتن، تبدیل شدن یا قدرت‌های ویژه‌ی احساس کمک می‌نمایند.

جدول ۲: تفاوت‌های تحلیلی بین احساس مثبت و منفی

احساس منفی	احساس مثبت	
مخالف با اهداف نمادین	به سمت اهداف نمادین	مسیر نمادین
خصومت	جاذبه	مسیر عاطفی
کناره‌گیری، آزدگی	ناراحتی، افسردگی	حالت سطح پایین
عدم‌وستی، ناامیدی، عقب‌نشینی	خستگی، بیگانگی، انزوا، کمبود انگیزه	تجربه اجتماعی
شرمندگی، خشم، خجالت، کینه، ترس، غضب	عشق، وجد، اشتیاق و شوق	حالت سطح بالا
نزاع، بدگمانی، تجاوز، ظلم و ستم، انتقام	تعلق خاطر-اعتماد-همبستگی-اعتماد به نفس	تجربه اجتماعی

تحت این تعاریف لازم به ذکر است که کسب ee^+ (که همبستگی یا خلاقیت ایجاد می‌کند) و از دست دادن ee^- (منجر به جبران یا اصلاح می‌شود) نتایجی را در پی دارند که در جهت مثبت به سمت جاذبه حرکت می‌نماید؛ در حالیکه کسب ee^- (ایجاد

³²- Shame

³³- Withdrawal

احساساتی مثل کینه و نفرت) و از دست دادن ee^+ (باعث افسردگی و انزوا) نتایجی را در پی دارند که تاثیر منفی دارد. در دیگر جهت احساسی، هر دو احساس‌ها منابع قابل ملاحظه‌ای از انگیزش برای عمل هستند. چنانچه بحث می‌شود، ee^+ فرد را به سمت همبستگی گروهی حرکت می‌دهد؛ ee^- فرد را در برابر تهدید دشمن تحریک می‌کند. کمیت‌های نسبی هر دو شکل از احساس است که برای تامین اینرسی جامعه‌شناختی برای تحریک آیین‌های تعاملی همکاری می‌کند.

تفاوت تئوری بین احساس مثبت و منفی، بخش جدیدی در تئوری کالینز است. با این وجود مطالعات کالینز و مباحث دیگر درباره IRT به آگاهی از ایده‌ی ee^- اشاره دارد ولی توسعه‌ی کامل مفهوم نیست. به‌عنوان مثال کالینز بیان می‌کند که احساسات منفی مثل انتقام، خشم و غضب می‌توانند به پویایی احساس مرتبط باشند، ولی اصولاً نتایج زودگذر آیین‌های تعاملی هستند. به‌علاوه کالینز بیان می‌کند که بحران‌هایی که اغلب منجر به بیرحمی خشونت‌آمیز می‌شوند، توسط احساس تغذیه می‌گردند؛ ولی مشخص نیست که به خاطر احساس گروه همبستگی یا به خاطر احساس نفرت و یا هر دو بوده است. تئوری پردازان حوزه‌ی IRT درباره‌ی پویایی احساسات منفی (مثل عصبانیت، گناه و شرم) بحث می‌کنند ولی برای یافتن ارتباط آنها با مفهوم قدرت احساس فراتر نمی‌روند. در حقیقت اگرچه ترنر^{۳۴} از واژه‌ی "احساس منفی" در خلاصه‌های خود پیرامون IRT

34- Turner

استفاده می‌کند، ولی بطور واضح آن را از گفته‌های عمومی‌تر کالینز متمایز نمی‌کند.

مفهوم ارائه شده‌ی ما از ee^- نیز از مفهوم اولیه در IRT که از تحقیقات تئوری کالینز، دورکیم و گافمن گرفته شده است، خیلی دور نیست. امیلی دورکیم بیان می‌کند که گروه‌های کوچک توسط جاذبه اخلاقی (که از طریق همبستگی مکانیکی بروز پیدا می‌کند) و وجدان جمعی (که از ساختار اجتماعی آمده و اغلب در زندگی مذهبی حس می‌شود) تسریع یافته و یکپارچه می‌شوند. از دیدگاه وی، همبستگی یک ایده‌ی نیم پرده است؛ جایی که همبستگی مثبت نیاز باشد به تثبیت هدایت‌های اخلاقی برای رفتار پرداخته و استانداردهایی را برای عضویت و وابستگی به گروه تنظیم می‌کند و در حالیکه همبستگی منفی نیاز باشد استانداردهای اخلاقی برای ممنوعیت‌های هنجاری و اقدامات کیفری ایجاد می‌کند که باید در مقابل افراد متخلف به‌عهده گرفته شود.

هر دو نوع همبستگی، مشابه احساس، نیروهای چشمگیر و متمایز تشویق‌کننده‌ی برای اقدامات افراد و گروه‌ها هستند. بطور مشابه بیانات گافمن درباره ماهیت "تشریفاتی" زندگی روزمره اجتماعی بر دو طبقه‌بندی مهم متمرکز است. ارائه آیین‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که در فرایند دنبال کردن وظایف و انتظارات گروه، افراد می‌خواهند خود را به طریق ثابتی با کدهای هنجاری احترام و رفتار به تصویر بکشند. چنین آیین‌هایی مثبت هستند و برای تثبیت و تقویت وابستگی افراد و وفاداری آنها به ساختار گروه و احکام اخلاقی زندگی

اجتماعی بین فردی، بکار برده می‌شوند. آیین‌های اجتنابی جنبه‌هایی از خودنمایی، اخلاق و تعامل اجتماعی را معین می‌کنند که به‌عنوان تابو، سرزنش‌کردنی و غیر اخلاقی پنداشته می‌شوند.

در بازخوردهای اجتماعی، این‌ها اقداماتی هستند که یک فرد وفادار به گروه باید از آنها اجتناب نماید. در سطح ریزتر تعاملات بین فردی، ارائه آیین‌ها بیان‌کننده‌ی همبستگی مثبت گروه هستند. در حالیکه آیین‌های اجتنابی مرزهای همبستگی منفی را تعیین می‌کنند.

در آنالیزهای دورکیم و گافمن مشخص می‌شود که دو جزء مخالف ولی مکمل در ساختار همبستگی جوامع وجود دارد و هر دو حول آیین‌های بین فردی که جنبه‌ی مثبت و منفی دارند، سازماندهی می‌شود. در حالیکه کالینز ایده‌ی آیین‌های تعاملی و مفهوم مرکزی "احساس" را با استفاده از این دو مطالعه به تصویر می‌کشد، ولی مفهوم احساس تنها یک جنبه از مطالعات توسعه یافته‌ی دورکیم و گافمن را منعکس می‌کند و یک تئوری قدرتمند از تعریف ابعاد زندگی اجتماعی از همبستگی منفی دورکیم و آیین‌های اجتنابی گافمن را بیان نمی‌سازد.

تفاوت‌های مفهومی بیان شده در این مقاله بین احساس مثبت و منفی تنها با هدف متمایز کردن تئوری و تحلیلی این دو مفهوم نبوده است. بلکه ما ادعا کردیم که تفاوت‌های کیفی و تجربی بسیار مهمی بین تجربه‌های ee^+ و ee^- وجود دارد. تجربه‌های زندگی ee^- و ee^+ هر دو به‌طور متفاوتی احساس شده و درک می‌شوند؛

مثلا هر دو ee^+ و ee^- بصورت نتایج تجربی منحصر به فردی تشدید می‌یابند.

احساسات مثبت مثل نشاط، شوق و گرما که از ee^- در وجدان جمعی دورکیم ناشی می‌شوند، در وفاداری، همبستگی و احساس ارتباطی که بوجود می‌آورند، خالی از اشتباه هستند. همچنین نسبت به تجربه‌های زندگی ee^- که اغلب با سرپیچی از نمادهای مقدس، تخطی به روابط اجتماعی و نقص اعتماد همراه‌اند، بسیار متفاوت بوده و احساساتی منفی مثل انتقام، غضب و کینه را ایجاد می‌کنند. به عبارت دیگر، احتمالاً ee^+ زمانیکه پویایی آیین‌های اجتماعی موفقیت‌آمیز باشد پدیدار می‌شود؛ در حالیکه ee^- احتمالاً زمانی که پایه‌های اجتماعی ee^+ به چالش کشیده شده، تحلیل رفته یا اجرا نمی‌شوند، پدیدار می‌گردد. بطور خلاصه ee^- عدم موفقیت یا نزاع بین روابط اجتماعی است و در نتیجه‌ی تضعیف یا نقص ee^+ بوجود می‌آید. در جهت احساسی دیگر، هر دو احساس منابع مهمی برای ایجاد انگیزه‌ی عمل هستند. چنانچه بحث خواهد شد ee^+ فرد را به سمت همبستگی گروهی حرکت می‌دهد در حالیکه ee^- فرد را در مقابل تهدید دشمن تحریک می‌کند. این کمیت‌های نسبی هر دو شکل احساس هستند که برای تامین اینرسی جامعه‌شناختی و محرک آیین‌های تعاملی با یکدیگر همکاری می‌کنند.

۴) پویایی احساس منفی

معرفی ایده‌ی احساس منفی در تئوری IRT امکان مفهوم‌سازی قوی‌تر و پویاتر فرایندهای اجتماعی را میسر می‌سازد که از رویدادهای

اجتماعی ناشی شده‌اند. با این وجود تفاوت مفهومی ارائه شده در این مقاله میان احساس مثبت و منفی تنها یک تفاوت تئوری نیست. بلکه ادعا می‌کنیم که تفاوت‌های مهم مشاهده شده و احساس شده‌ای بین تجربه‌های ee^+ و ee^- وجود دارد که بصورت نتایج تجربی منحصر به فرد تشدید می‌یابد. در این مقاله بیان می‌کنیم که ee^+ و ee^- (که اغلب بهم وابسته بوده و همزمان وجود دارند) ذخیره‌های انگیزشی هستند که از آیین‌های تعاملی گرفته شده و درک پیچیده‌تر و جزئی‌تری را از تئوری IRT ارائه می‌دهند.

احساس مثبت و منفی هر دو منابع تبدالی هستند که در سطوح متنوع شدت آنها از سطح بالا تا پایین، وجود دارند. بحث ما این است که ee^+ و ee^- هر دو توسط دینامیک یکسان ولی در جهت‌های مختلف هدایت می‌شوند. بنابراین، مطابق تئوری کالینز، سطح احساس مثبت و منفی حاصل مشارکت در آیین‌های تعاملی است. با این وجود در حالیکه آیین‌های بوجود آورنده ee^+ و ee^- عناصر جامعه‌شناختی مشترکی را به اشتراک می‌گذارند، ولی منجر به مجموعه‌ی متفاوتی از تجربه‌ها و وضعیت‌ها می‌شود. این ویژگی آخر است که یک مفهوم چند بعدی از احساس را در محدوده‌ی وسیع و قابل کاربردی از تئوری IRT ایجاد می‌کند.

در این بخش شش قضیه را مطرح می‌کنیم که برای گسترش تئوری کالینز و روشن کردن ایده‌ی احساس منفی بکار می‌رود. این قضیه‌ها عوامل کلیدی تئوری IRT برای روابط احساسی مستمر که طبقه‌بندی تبدالات و تضادهای اجتماعی نام دارد، را فرمول‌بندی

می‌نماید. اولین قضیه با ارائه‌ی یک عبارت تعریفی درباره ee^- و روابط آن برای تبادلات اجتماعی ناموفق در طول آیین‌های تعاملی، آغاز می‌شود. ee^- به‌عنوان مفهومی از تبادلات غیر موفق تعریف می‌شود (قضیه ۱). سه قضیه‌ی بعدی (قضیه‌های ۲ و ۳ و ۴) بینش تئوری کالینز نسبت به ماهیت لایه‌ای تبادلات میان فردی را گسترش داده و رابطه ee^- برای همبستگی گروه را بیان می‌کند. چنانچه کالینز بیان می‌کند، به دلیل آنکه احساس محصولی از پویایی گروه است، پس ee^- نیز در نتیجه‌ی طبقه‌بندی اصلی در بسیاری از آیین‌های تعاملی وجود می‌آید. دسته‌بندی قدرت و وضعیت "فرصت‌های بازاری" متفاوتی را برای اکتساب احساس وجود می‌آورند و پیامدهای بسیار مهمی خصوصاً در ترویج ee^- در پی دارند. در نتیجه‌ی پیچیدگی فرصت‌های بازاری یک فرد برای آیین‌های تعاملی، ترکیبی از احساس‌های مثبت و منفی پویایی "داخل و خارج گروه" از تبادلات اجتماعی را شکل می‌دهند. دو قضیه‌ی آخر (قضیه‌ی ۵ و ۶) بیشتر درباره مسئله‌ای مطالعه می‌کنند که در تضادهای تئوری کالینز اصلی می‌باشد. در حالیکه کالینز می‌گوید که احساس یک عامل اصلی در تضادها است.

قضیه ۱: احساس منفی حاصل تبادلات ناموفق سرمایه فرهنگی بوده و عدم موفقیت در ایجاد یک پیوند اجتماعی ایمن را نشان می‌دهد. ee^- هم مشابه ee^+ بر مبنای ذخیره‌ی احساس کسب‌شده از تعامل‌های اجتماعی قبلی ساخته می‌شود. تفاوت اصلی بین این دو شکل از احساس این است که ee^+ از آیین‌های تعاملی موفقیت‌آمیز گرفته می‌شود، در حالیکه ee^- در نتیجه‌ی عدم موفقیت

در تعامل‌ها بوجد می‌آید. کالینز بیان می‌کند که در طول رویدادهای اجتماعی که هر فرد در آنها عناصر آیینی مشترکی را با گروه به اشتراک نمی‌گذارد (و بنابراین نمی‌تواند بطور موثر در پیگیری آیین‌های تعاملی شرکت داشته باشد)، فرد از لحاظ اجتماعی نسبت به گروه بیگانه شده و ee^+ را از دست می‌دهد. در همان زمان اعضای گروه که در تبادل سرمایه فرهنگی موفق بوده‌اند، می‌توانند ee^+ را کسب کرده و حس همبستگی وسیعی را تجربه کنند. با استفاده از این چارچوب بیان می‌کنیم که افراد محرومی هم وجود دارند که ممکن است به خاطر محرومیت‌شان، خشم و رنجش وسیعی را تجربه کنند، مثلا با از دست دادن ee^+ همبستگی گروه، در برابر گروه ee^- را بدست آورند.

تناسب از دست دادن ee^- و بدست آوردن مداوم ee^- بسیار شبیه زمانی است که شرایط آشکارا مملو از تضادها می‌شود و با تداوم آن با گذشت زمان بدتر و شدیدتر هم می‌گردد. بعلاوه زمانیکه ee^- ایجاد شده و با گذشت زمان انباشته می‌شود، می‌تواند به تمرکز نمادین آیین‌های تعاملی آینده در میان افرادی که دیدگاه‌های خصومت‌آمیزی را نسبت به یک گروه مشترک به اشتراک می‌گذارند، تبدیل گردد. این فرایند معمولا در پویایی داخل/خارج گروه یافت می‌شود که در آن گروه‌ها معمولا از احساسات منفی در برابر یک گروه بدنام استفاده می‌کنند و به‌عنوان پایه و اساسی برای ایجاد همبستگی درون گروه خود می‌باشد.

کالینز بیان می‌کند که کسب ee^+ موجب احساس خوب در فرد می‌شود و از دست دادن ee^- موجب ایجاد احساسی خنثی‌تر یا بی تفاوت‌تر می‌گردد؛ ما نیز اضافه کردیم که کسب ee^- موجب احساس کمبود یا ناقص می‌شود. زمانیکه یک فرد می‌خواهد به عضوی از یک گروه تبدیل شود، تعاملات موفق درون اعضای گروه موجب احساس همبستگی و شمول می‌شود و همه‌ی اعضا ee^+ جمع می‌کنند. اگر در آینده نیز تعاملات موفق ادامه داشته باشد، گروه بیشتر یکپارچه شده و اعضای آن می‌خواهند یکدیگر را بیشتر ملاقات کنند تا ee^+ ایجاد شده از تعاملات بین خود را کسب کنند. حتی وقتی جدا هستند می‌خواهند اثرات مثبت عضویت در گروه مثل احساس شمول، تعلق، اعتماد به نفس و ارزش را تجربه نمایند. با این وجود اگر کسی بخواهد عضو گروه خاصی باشد که با اعضای خود تعاملات ناموفق داشته و به خوبی در گروه پذیرفته نمی‌شود، شخص دچار احساس محرومیت مثل خجالت و شرمندگی می‌شود و ee^- کسب می‌کند. بنابراین در حالیکه کسب ee^+ موجب تثبیت وضعیت فرد در گروهی می‌شود که برای افراد ارزش قائل بوده و احساس مثبت در آنها ایجاد می‌کند، ولی کسب ee^- موجب بروز احساسات منفی و نامطلوبی می‌شود که از طریق تکرار تعاملات ناموفق بر اساس احساسات منفی ساخته شده و در نهایت تجربه‌ی فرد به‌عنوان یک شخص خارجی را محکم می‌کند.

در تایید حرف ما مشخص می‌شود که ee^+ و ee^- هر دو همزمان می‌توانند در وضعیت عاطفی فرد و در پویایی آیین‌های تعاملی وجود داشته باشند. هر دو شکل احساس می‌تواند انباشته شده و یک

ذخیره‌ی کلی از احساس را تشکیل بدهد؛ این دو انرژی می‌توانند با هم و بصورت ترکیبی از یکدیگر وجود داشته باشند؛ هر دو می‌توانند در کمیت‌های مهم بروز پیدا کنند. بنابراین مسئله فقط احساس کلی نیست که به سادگی در آیین‌های تعاملی بدست آمده و یا از دست داده می‌شود. در برخی از مثال‌ها، شکل‌های مثبت احساس می‌توانند کسب شوند، در حالیکه شکل‌های منفی ممکن است از بین بروند، یا برعکس. در مثال‌های دیگر ممکن است هر دو شکل احساس همزمان بدست آمده یا از دست بروند.

با در نظر گرفتن اولین قضیه، در قضیه‌ی دوم مجموعه‌ای از شرایطی را تعیین می‌کنیم که تحت این شرایط هر دو انرژی مثبت و منفی ذخیره شده، کاهش یافته و در زنجیره‌های آیین‌های تعاملی ترکیب می‌شوند.

قضیه ۲: زمانیکه یک فرد از دست دادن احساس مثبت نسبت به یک فرد یا گروهی که برای همبستگی آنها ارزش قائل است، را تجربه می‌کند، در همین حین احساس منفی را در برابر این فرد یا گروه بدست می‌آورد. میزان احساس منفی کسب شده تابع مستقیم و مثبتی از همبستگی با فرد یا گروه، شدت تضادی که موجب از دست رفتن احساس مثبت شده، و تعداد تکرار برخوردهایی که منجر به از دست دادن احساس مثبت، می‌باشد.

مطابق این قضیه ادعا می‌کنیم که بیانات کالینز درباره از دست رفتن احساس احتمالاً یک‌بعدی بوده است. مسئله به این سادگی نیست که افرادی که تجربه بیگانگی اجتماعی از طرف آیین‌های تعاملی

مهم را داشته‌اند، احساس را از دست داده و بخاطر محرومیت دچار تنزل روحی شوند. بلکه ممکن است بواسطه‌ی چنین تجربه‌های مخالفی روحیه گرفته و احساساتی مثل خشم، انتقام و شرمندگی را در خود توسعه بدهند. این احساسات مخالف لزوماً حالت‌های پایین احساس افراد نیستند (مثل حالت‌هایی که ممکن است از کمبود ee^+ حاصل شوند)، بلکه بیشتر می‌توانند تجارب شدید و خصومت‌آمیزی را ایجاد کنند (مثل تجربه‌هایی که توسط پویایی سطح بالای ee^- توصیف شدند).

می‌توان درباره شرایط اجتماعی که در آن قدرت و وضعیت متغیرهای مهم هستند چنین گفت. چنانچه کالینز در تئوری IRT بیان می‌کند، افراد معمولاً خود را در مجموعه‌ی طبقه‌بندی شده‌ای از "فرضت‌های بازار" برای کسب احساس می‌یابند. مثلاً افراد امرکننده معمولاً ee^+ کسب می‌کنند ولی افراد تحت امر ee^+ را از دست می‌دهند. با این وجود دینامیک قدرت و وضعیت در آیین‌های تعاملی احتمالاً موجب کسب احساس دقیق‌تر و پیچیده‌تری می‌شود. در وضعیت‌های طبقه‌بندی شده‌ی فرمانبرداری، افراد تحت امر همیشه تنزل روحی نداشته و از لحاظ احساسی مطیع نیستند؛ بلکه بطور مستمر از طریق ee^- انرژی یافته و احساس ناامیدی، رنج، حسادت و یا حتی خشم را نسبت به مافوق خود گسترش می‌دهند. این پیشنهاد با تحقیق درباره دینامیک‌های سازمان یافته سازگار است که بیان می‌کند افراد تحت که معمولاً با احساس منفی تغذیه می‌شوند، در شرایط انزوا و تنزل روحی اغلب با اهداف ساختاری مخالفت کرده و یا آنها را خراب می‌کنند.

میزان ee^- که یک فرد تحت امر توسعه می‌دهد، مستقیماً تابع درجه‌ی عدم وابستگی است (یا تضاد) که تجربه کرده و دوام این عدم ارتباط از طریق مجموعه زنجیری از آیین‌های تعاملی درگذشت زمان می‌باشد. به دلیل آنکه این یک فرض اساسی و اولیه در تئوری IRT است که یک آیین تعاملی منفرد به ندرت تنها باقی می‌ماند، پس احساس نیز نتیجه‌ی تعاملات گذشته بوده و برای رویدادهای آینده نقش یک تسریع کننده را دارد. با گذشت زمان مجموعه‌ای از تعاملات مثبت موجب بروز احساس همبستگی و افزایش ee^+ در عضویت گروه می‌شوند، درحالی‌که مجموعه‌ای از تعاملات منفی این احساسات را در گروه از بین برده و عدم ارتباط را افزایش می‌دهد. با این حال مشابه رابطه بین همبستگی و اهمیت گروه، میزانی که یک فرد در یک گروه شناخته می‌شود میزان انرژی منفی ایجاد شده در نتیجه‌ی تعاملات ناموفق را تعیین می‌نماید. مثلاً، اگر یک فرد در برابر گروهی که در آن همبستگی وجود دارد تعاملات منفی را تجربه کند، مثل گروهی از آشنایان سابق، فرد از لحاظ احساسی تأثیر کمی دریافت کرده و حداقل مقدار ee^- را تجربه می‌کند. با این وجود اگر یک فرد توسط یک گروه مهم و همبسته شناخته شود، مثل گروه همکاران صمیمی، اگر بطور ناگهانی از گروه خارج شود دچار احساسات منفی شدیدی خواهد شد. چنین خیانت‌هایی نسبت به اعتماد متقابل از جمله دلایل اصلی نابودی گروه‌های دوستی بوده و با افزایش ee^- مشخص می‌شود.

همچنین انتظار می‌رود که احساس منفی در ارتباط مستقیم با شدت تضاد بوجود آمده رخ بدهد که ee^- را بوجود آورده است. آیین‌های تعاملی که پر از تضادهای سطح پایین هستند، تنها موجب

کسب شدت پایینی از ee^- می شوند (احتمالا بعنوان احساس بی لطفی یا آزدگی نشان داده می شود) و می توانند به سرعت حل شده و فراموش گردند. با این وجود تضادهای شدیدتر (مثل مواردی از خشونت) مقدار احساس منفی بیشتری ایجاد کرده و منجر به تجربه‌ی احساسات شدیدی مثل تحقیر، شرم، عصبانیت و حتی انتقام می شوند. اگر آیین‌های تعاملی منفی در طول زمان تکرار شوند که در آن افراد یا ee^+ را بخاطر تعاملات ناموفق در گروه همبسته از دست داده و یا ee^- را از طریق تعاملات با تضادهای شدید کسب می کنند، احتمال دارد که افزایش ee^- بخاطر عواقب این رویارویی‌ها شدیدتر شود.

قضیه ۳: احساس منفی حاصل روابط اجتماعی ناهنجار اسیب و اغلب بصورت پریشانی بروز داده می شود. نسبت به کاهش و حل شکرین احساس منفی متناسب با انگیزش به سمت حفظ احساس مثبت تمایلی وجود دارد. احساس منفی در خصومت‌های طولانی مدتی که با گذشت زمان تکرار شده و یا حل نشده باقی مانده‌اند، پایدار باقی می ماند.

بعنوان یک اصل کلی، مقدار نسبی ee^+ و ee^- که توسط یک فرد دریافت می شود منابعی هستند که وضعیت احساسی کلی فرد را نشان می دهند. افرادی که ee^+ آنها بیشتر است، ویژگی‌های مربوط به جنبه‌ی مثبت احساس را منعکس می کنند، درحالی که افرادی که ee^- آنها بیشتر است وضعیت‌های منفی تری را نشان می دهند. با دنبال کردن مقدمات IRT، ادعا می کنیم که تجربه‌ی سطوح بالاتر ee^+ در مقایسه با سطوح ee^- یک وضعیت احساسی ترجیحی

است. در حقیقت اکتساب ee^- می تواند برای افرادی که تحت شرایط خاص قرار دارند باعث دردسر و مشکل بشود: زمانیکه سطوح کلیر ee^- از سطوح ee^+ فراتر رود؛ زمانیکه آیین های تعاملی در ee^- موجب ایجاد جرقه شود؛ و زمانیکه اکتساب ee^- از جملهی تجربه های اخیر فرد باشد.

هر یک از این سه شرایط فرد را وادار می کند تا وضعیت احساسات منفی را تسکین بدهد. در حالیکه هر دو شکل مثبت و منفی احساس می تواند به عنوان پیامدی از آیین های تعاملی توسعه پیدا کند، ee^- بیشتر از ee^+ ناپایدار خواهد شد. برخلاف بیشینه شدن احساس مثبت، احساس افزایش ee^- ناخوشایند و ناراحت کننده است و تمایل بسیاری برای کاهش سریع این تنش و بازگشت به وضعیت های بهتر ee^+ مثل اعتماد و همبستگی وجود دارد. در سطح تحقیقاتی، ee^- بیشتر از ee^+ موجب مشوش شدن فرد می شود چرا که ee^- یادآور روابط منفی بوده و یک انرژی عدم همبستگی است. چنین احساسات منفی مستعد این هستند که منبعی از اضطراب ذهنی و تنش های فردی شوند و بیشتر احتمال دارد که در ذهن باقی بمانند. ولی در حالیکه ee^- ممکن است منبع قدرتمندی از اشتغال باشد، ولی به تنهایی نمی تواند احساس اعتماد و تعلق خاطری را ایجاد کند که اغلب نتیجهی آیین های تعاملی موفقیت آمیز است. در نتیجهی خاطرات گذشتهی تجربهی احساسات منفی، ee^- که بهبود نیافته است تشدید پیدا می کند. به دلیل آنکه افراد تمایل دارند تا راحتی و نشاط را در شعلهی گرم ee^+ پیدا کنند و به خاطر اینکه بیشتر احتمال دارد توسط تجارب احساسی منفی گرفته شوند، اغلب به واسطهی پریشانی ee^-

نامتعادل باقی می‌مانند. با وجود تمایل برای اندیشیدن درباره‌ی تجربه‌های منفی، یک نیروی شدید به سمت کاهش احساسات ناهنجار وجود دارد. بنابراین ادعا می‌کنیم برای افرادی که در تلاش برای کاهش و حل کردن ee^- هستند، نوعی اجبار درونی وجود دارد.

در حالیکه افراد ممکن است روش‌های متنوعی را برای حل کردن ee^- اتخاذ کنند، ما بیان می‌کنیم که سه روش اصلی برای این منظور وجود دارد: روش اول که بسیار مشابه آیین‌های اجتنابی گافمن است؛ ممکن است افراد به دنبال کاهش مقدار ee^- کسب شده از طریق اجتناب از آیین‌های تعاملی باشند که در حل کردن احساسات منفی سابقه دارند. این روش بر کاهش ee^- در نتیجه‌ی نیمه عمر طبیعی آن متکی است و می‌تواند از طریق ضرب‌المثل "زمان مرهم همه‌ی دردها است"، توصیف گردد. در حقیقت تحقیقات نشان دادند که فاصله‌ی زمانی از تخطی بین فردی در حل احساسات منفی و اصرار بر بخشش و فرایند آشتی بسیار مهم است.

با این وجود بیان می‌کنیم که روش‌های زمانی برای فرد محدودکننده هستند، چرا که فرض می‌کنند که افراد مهارت‌های روان‌پویشی کافی و فرصت کار کردن از طریق احساسات منفی را بدون بازگشت به جریان عادی آیین‌های تعاملی زندگی روزمره که احتمالاً در حله‌ی اول موجب ee^- شده است، دارا می‌باشند. در صورت عدم وجود فرصت‌های ویژه برای تحلیل ee^- ، خصومت‌ها در ذهن باقی مانده و احتمال بیشتری وجود دارد که تجمع احساسات منفی رخ بدهند. این احساسات منفی می‌توانند باعث ایجاد حس فریب

خوردگی یا شرمندگی (ارائه شده توسط لويس ۳۵ و شف ۳۶) و همچنین گیر افتادن در چرخه‌ی سوءاستفاده، مثل احساساتی که ماهیت خشونت خانگی تکرارشونده را مشخص می‌کنند، بشود. به دلیل آنکه افراد مایلند تا تعاملات منفی را کاهش بدهند و بنابراین از ایجاد ee^- جلوگیری کنند، اغلب مجبور می‌شوند تعاملات منفی و پایدار را زمانی که منابعی (مالی، روان‌شناختی، درمانی، احساسی، اجتماعی، جغرافیایی و...) برای فرار ندارند یا هزینه‌ی استفاده از فرصت ترک کردن این شرایط دشوار بسیار زیاد است، تحمل کنند.

روش دومی که افراد برای کاهش ee^- استفاده می‌کنند ممکن است شامل تلاش‌هایی برای کاهش اثر کلی ee^- از طریق متعادل کردن آن با کسب ee^+ بشود. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد می‌توانند تاثیر احساسات منفی را با کسب احساس مثبت بیشتر از طریق راحت‌تر کردن تعاملات با دوستان، اعضای خانواده، روحانیون، مشاوران و حتی رویدادهای اجتماعی، کاهش بدهند. این تعاملات لزوماً منجر به کاهش احساسات منفی نمی‌شود، ولی به افراد اجازه می‌دهند تا سطوحی از احساسات مثبت ایجاد کنند، مثلاً تاثیر کلی تجربه‌های منفی از وسعت ناگهانی تجربه‌ها عقب‌نشینی می‌کند. بنابراین این روش برای حل کردن مشکل ee^- شامل کاهش سطوح ee^- به سطح کمتری نسبت به ee^+ موجود می‌شود که یا در نتیجه‌ی دریافت ee^+ ، از دست دادن ee^- یا حتی در نتیجه‌ی هر دوی آنها می‌باشد.

³⁵- Lewis

³⁶- Scheff

در نهایت، مردم با بی‌تفاوت شدن یا حواس‌پرت کردن خود با کمک الکل، مواد مخدر، کار و غذا و همچنین از طریق شرکت در فعالیت‌هایی مثل قمار، تمرین و ورزش، با ناراحتی بوجود آمده از تجمع ee^- کنار می‌آیند. به‌خاطر شدت احساسات ee^- و نیمه عمر نسبتاً کوتاه این مفاهیم و هیجان محدود این رفتارها، افراد می‌توانند تابع این مکانیزم‌ها شوند تا تاثیر بالقوه‌ی احساسات منفی را در وجود خود کاهش بدهند.

قضیه ۴: هر چه مقدار احساس مثبت گرفته شده از همبستگی یک فرد با یک گروه بیشتر باشد، احساس منفی فرد در مقابل گروه‌های مخالف بیشتر خواهد بود. این احساس منفی تابع مستقیم ظرفیت گروه و سطح تضاد بوجود آمده (یا تهدید دریافت شده) بین گروه‌ها می‌باشد.

احساس مطابق تعریف کالینز یک پدیده‌ی عمدتاً گروهی است، اگرچه در سطح فردی نیز تجربه می‌شود. مطابق تئوری IRT، افرادی که بتوانند سطوح بالای احساس (مثبت یا منفی) را در عدم حضور آیین‌های تعاملی احساسی ایجاد کنند، بسیار نادر هستند. تعهدات و اشتغال افراد در شبکه‌های تعاملات اجتماعی است که احساس بروز داده شده و استفاده شده توسط مردم در جریان زندگی روزمره‌ی آنها را خلق می‌کند. چنین تعاملات متمرکز و تجمعی قادر هستند تا احساسات مثبت ee^+ را برای همبستگی گروه، افزایش عملکرد کار گروهی، القای وفاداری و تثبیت هویت‌های صمیمانه در گروه‌ها، ایجاد کنند.

به دلیل آنکه افراد می‌خواهند منابع ee^+ مهم برای همبستگی گروه را به حداکثر برسانند، ما ادعا می‌کنیم که اعضا با یکدیگر همکاری خواهند کرد تا از گروهی که منبع ee^+ آنها است محافظت کنند. در تلاش برای محافظت از سرمایه‌ها احساس، اعضای گروه ee^- را در مقابل گروه‌های مختلف، خصوصا گروه‌های تهدیدکننده، توسعه می‌دهند. این قضیه با تحقیقاتی سازگار است که بیان می‌کند گروه‌ها اغلب همبستگی را از طریق ایجاد مقایسات منفی در برابر گروه‌های مخالف، بوجود می‌آورند. این مقایسه‌ها پیدایش جهت‌گیری درون گروهی را تسهیل کرده و افراد را تشویق می‌کند تا ارزیابی‌های مثبتی نسبت به گروه خود توسعه داده و افراد را به گروه نزدیک‌تر نگه دارد. بنابراین تهدیدهای اعمال شده به یک گروه موجب افزایش همبستگی ee^+ درون گروه تهدید شده می‌شود، ولی همچنین خصومت ee^- را در برابر رقیب افزایش می‌دهد.

با گسترش این نظریه که ee^- در نتیجه‌ی تهدید گروه می‌باشد، ادعا می‌کنیم که مقدار ee^- ایجاد شده در برابر گروه‌های دیگر تابع مستقیم درجه‌ی همبستگی ee^+ گروه مورد تهدید و همچنین سطح تضادهای درون گروهی با گروه مخالف می‌باشد. این قضیه با تحقیقاتی سازگار است که بیان می‌کنند افراد با سطح بالای شناخت شخصی در یک گروه، همبستگی بیشتری درون گروه و تعصب بیشتری نسبت به تهدید در خارج از گروه نشان می‌دهند. به علاوه، تحقیقات مشابه نشان دادند که سطح بالاتر احساسات منفی با شدت بیشتری از تضادها خصوصا میان گروه‌هایی که همبستگی بالایی دارند، بوجود می‌آید.

زمانیکه ee^- در مقابل رقیب ایجاد می‌شود، تنها نمی‌تواند بصورت یک انرژی برای تغذیه‌ی تضاد و نزاع باشد، بلکه نقطه‌ی مهمی از تمرکز نمادین برای اعضای گروه است؛ و می‌تواند افزایش بیشتر ee^+ را تسهیل کند تا هویت‌های جمعی و ضمام احساسی-اجتماعی گروه را بسازد. ما ادعا می‌کنیم که سطح بالای ee^- می‌تواند منبع اصلی تولید و حفظ ee^+ باشد. بنابراین نتیجه‌ی قضیه‌ی ۴ را ارائه می‌کنیم:

قضیه #۴a: احساس منفی تاثیر معکوسی بر احساس مثبت دارد؛ بطوریکه هرچه احساس منفی در مقابل گروه مخالف بیشتر باشد، احساس مثبت نسبت به گروه خود فرد بیشتر خواهد بود.

با دنبال کردن این قضیه بیان می‌کنیم که ee^- می‌تواند ابزای مهم باشد که از طریق آن ee^+ بوجود بیاید. مطالعات کالینز درباره تروریسم نشان می‌دهد که این فرایند روشی است که طبق آن تروریست‌های اسپتامبر به خاک آمریکا حمله کرده و نه تنها احساس کینه و انتقام ee^- نسبت به مهاجمان، بلکه احساس وطن‌پرستی، دلسوزی و همبستگی ee^+ میان آمریکایی‌ها بوجود آمد. تحقیقات دیگر نیز این نتایج را نشان داده و تضادهای بین گروهی را عامل ایجاد سطوح بالاتری از هویت بین گروهی و احساس تعهد و وفاداری بیشتر به گروه می‌دانند که می‌تواند ایجاد هویت جمعی را تسهیل نماید. این تحقیقات روشی را نشان می‌دهند که مطابق آن، پویایی احساس مثبت و منفی می‌تواند به یکدیگر وابسته باشد. احساس خصومت نسبت به یک گروه ee^- نه تنها پایه و اساسی را برای ترس اجتماعی و تضادهای بالقوه فراهم می‌کند، بلکه میان اعضای گروه تهدید شده همبستگی، وفاداری و هویت گروهی ee^+ ایجاد می‌کند.

مبحث ما این است که با درک ماهیت مرتبط احساس مثبت و منفی، تئوری IRT می‌تواند بصورت قوی‌تری فرایندهای مخالفت گروهی را معنا کرده و پویایی احساس این تضادها را طرح‌ریزی (یا شاید پیش‌بینی) نماید.

قضیه ۵: هرچه احساس منفی و متقابل بین رقیبان بیشتر باشد، بیشتر احتمال دارد که بین آنها مجادله رخ بدهد. حضور همزمان احساس مثبت بین این رقیبان می‌تواند مجادله‌ی بوجودآمده در اثر این احساس منفی را تسکین بدهد.

در تئوری IRT، پویایی احساس برای درک فرایندهای مجادله و خشونت مهم هستند. به‌گفته‌ی ما، مفهوم ee^- به روشن کردن برخی از ابهامات تئوری IRT کالینز و پیشرفت بیشتر درک ما از روابط بین احساس و مجادله، کمک می‌نماید. به‌عنوان مثال طبق مطالعه اخیر کالینز، پویایی همبستگی گروه و مجادله علت و معلول یکدیگرند و این همبستگی "اسلحه کلیدی" در شرایط مجادله است. اگر این منطق را دنبال کنیم به این ایده می‌رسیم که زنجیره آیین‌های تعاملی بوجود آورنده‌ی سطوح بالای همبستگی گروهی می‌توانند احتمال مجادله و نزاع را افزایش داده و خصومت‌های شدیدتر، طولانی‌تر و مخرب‌تری را بوجود آورد.

در این مطالعه واضحاً احساس نقش مهمی را در ایجاد همبستگی گروهی ایفا می‌کند، ولی ما معتقدیم که این مسئله باعث ایجاد مجادله در اثر سطوح بالای احساس نیست. ممکن است ee^+ یک شرایط اولیه قبل از شکل‌گیری همبستگی گروهی مورد نیاز برای مجادله باشد، ولی به‌تنهایی به عنوان یک عامل کافی نیست. بلکه ee^-

یک عامل مهم، جامع و انگیزشی برای ایجاد تضاد است. در حالیکه ممکن است جنبه‌های مخالف از ee^+ به‌عنوان منبعی برای شکل‌گیری همبستگی درون گروهی استفاده کنند، ولی وجود ee^- بین گروه‌ها است که نهایتاً موجب آغاز مجادله می‌گردد. گروه‌های همبسته که از طریق ee^+ درونی پیوند دارند، احتمالاً بدون وجود درجه‌ای از ee^- بین گروه‌ها بطور همزمان، مستعد ایجاد تضاد و مجادله نیستند.

احساس‌های مثبت و منفی اثرات جامع و همپوشانی هم دارند، مثلاً ترکیب ee^+ و ee^- به پویایی احساس اجازه می‌دهد تا ویژگی‌های جدیدی را اتخاذ کند. به عقیده‌ی ما، در حالیکه ممکن است ee^+ منبع اصلی ایجاد مجادله باشد، ولی سطح ee^- بین مبارزه‌طلبان احتمالی است که جرقه‌ی مجادله را روشن می‌کند. در حقیقت، تحقیقات بیان می‌کنند که احساسات منفی (مثل ee^-) برای نزاع‌ها و مجادله‌های بین فردی و بین گروهی، تسریع‌کننده‌ی بسیار مهمی است.

با استفاده از روشی برای احساس، بیان می‌کنیم که دو بعد از احساس در جدال و تضاد با یکدیگرند. از یک طرف ee^- بین رقیبان نیروی محرکی برای تضاد و جدال است؛ بطوریکه افزایش ee^- پتانسیل جدال را زیاد می‌کند. از طرف دیگر سطح ee^+ که جنبه‌های مربوط به جدال را حمایت می‌کند، ماهیت مخرب جدال را پیش‌بینی می‌کند؛ سطح بالای ee^+ در سمت دیگر (یا هر دو سمت) جدال، شدت و خرابی جدال را افزایش می‌دهد. بنابراین ee^- ترموستاتی برای ارزیابی جدال بوده و به ما کمک می‌کند تا ایجاد و آغاز آن را درک نماییم؛ در حالیکه ee^+ یک "اسلحه کلیدی" برای جدال است، همچنین نیروی مربوط به رقیبان و آغاز آن را نشان می‌دهد.

در حالیکه حضور متقابل ee^- بین رقیبان می‌تواند احتمال شروع یک جدال را بوجود آورد، ولی حضور همزمان ee^+ بین این رقیبان نیز می‌تواند این احتمال را کاهش بدهد. چنانچه کوسر^{۳۷} اشاره می‌کند که جدال‌ها اغلب حول روابط قبلی موجود، قراردادهای یا راهنمایی‌ها بوجود می‌آیند. این "قوانین تعهد" برای تسکین خصومت بکاررفته و توسط قوانینی برای جدال‌های نظامی مثل "قواعد نورمبرگ"، "پیمان جنووا" و "اظهار نامه جهانی حقوق بشر" مثال زده می‌شوند. همچنین این قوانین در رفتارهای غیر لفظی جدال‌های بین فردی دیده می‌شود که فرد انتظار دارد رقیب با جوانمردی و عدم فریب کاری و عمومی نکردن صحنه‌ی جدال به او احترام بگذارد. در حقیقت، تحقیقات درباره‌ی شخص نشان می‌دهند که متعادل کردن ارتباطات منفی با احساسات مثبت می‌تواند پایداری رابطه را افزایش داده و برای کاهش میزان آشکاری جدال همکاری کند. بعلاوه، تحقیقات دیگر نیز نشان می‌دهند که احساس احترام متقابل بین رقیب‌های احتمالی می‌تواند برای کاهش درجه‌ی عکس‌العمل‌های منفی نسبت به رقیب بکار برده شود.

بطور واضح، جدال تابعی از پویایی احساسی مثبت و منفی است و هر دو شکل احساس سهم منحصر به فری برای توسعه، تحریک و شدت خصومت دارند. ما معتقدیم که با اختصاص دادن سهم‌های بزرگتر به احساس مثبت و منفی در خصومت‌های بین فردی می‌توانیم تاثیرات متقابل و متقاطع جدال و نقش‌های آنها در اقدامات فردی و گروهی را درک نماییم.

37- Coser

قضیه ۶: احساس منفی منبع مهمی برای انگیزش به عمل است که در همراهی همزمان با احساس مثبت، کمیت متفاوتی را در نظر می‌گیرد. زمانیکه احساس مثبت توسط احساس منفی شبیه‌سازی می‌شود، می‌تواند بطور چشمگیری نیرو بخش‌تر شود؛ زمانی که احساس منفی بر اساس احساس مثبت حمایت می‌شود، مخرب‌تر نیز خواهد شد.

در تئوری کالینز، احساس یک نیروی قوی از انگیزه است، بطوریکه القای اولیه برای همبستگی گروه، بروز خلاقیت، و شکل شبکه‌های اجتماعی را تامین می‌کند. احتمالاً اثر انگیزشی احساس بیشتر در آنالیز فلسفه کالینز ایجاد شده است که در آن احساس بعنوان القا کننده‌ی خلاقیت و نبوغ خلاقانه نشان داده می‌شود. به دلیل آنکه این فیلسوفان در شبکه‌های متفاوت تعامل و تبادل حضور دارند، کالینز بیان می‌کند که آنها بصورت یکنواخت درون بافت‌های آیین‌های تعاملی بطور قابل توجهی قرار گرفته‌اند که قادر به انباشتن سطح بالایی از احساس می‌شوند. به خصوص افرادی که گره‌های مرکزی شبکه‌های خود را اشغال کرده‌اند، کسانی هستند که احتمال دارد سهم‌های موثری داشته و نهایتاً به کار خود احترام بگذارند. برای کالینز، توانایی ایجاد احساس است که شرایطی را برای دستاوردهای برتر و هوشمند بوجود می‌آورد.

در حالیکه کالینز نشان می‌دهد که روابط احساسی به استعدادهای فلسفی خلاق و پربار تغذیه می‌شوند، ولی همچنین بیان می‌کند که جدال عقلی، شبکه‌ی کوچک و انزوا نقش‌های مهمی را در رسوم فلسفی ایفا می‌کنند. از دیدگاه کالینز، سطوح بالاتر جدال باعث ایجاد سطح پایین‌تری از احساس، شبکه‌های کوچک و نهایتاً ابهام

تاریخی می‌گردد. با این وجود در آنالیز فلسفه‌های کالینز، ارتباط جدال‌ها مهم است ولی به تنهایی بعنوان منبع قابل ملاحظه‌ای از انگیزه معنا نمی‌شوند. تجربه‌های احساسی مثبت منابع اولیه برای ایجاد انگیزه در فرد یا گروه هستند؛ روابط منفی نشان‌دهنده‌ی عدم موفقیت برای ایجاد تاثیرات مثبت احساس می‌باشد.

ما بیان می‌کنیم که اتفاق پیچیده‌تری در تبادلات احساس در حال وقوع است که می‌تواند بصورت عمومی‌تر گسترش پیدا کند تا آیین‌های تعاملی تحلیل شوند؛ و ما معتقدیم که قدرت احساس به ما اجازه می‌دهد تا این مجموعه جدید از احتمالات را متصور شویم. از طریق این کار کالینز بیان می‌کند که ee^+ ریشه یافته از همبستگی گروه، نیروی محرک اصلی برای تعاملات اجتماعی است؛ ما نیز معتقدیم که ee^- نیز منبع مهمی از انگیزه است. این نکته می‌تواند با آزمودن روابط شبکه‌ای میان فیلسوفان که در آنالیز فلسفه‌ی تئوری کالینز پیدا شده نشان داده شود.

بعنوان مثال، آنالیز مربوط به فیلسوفان اصلی آلمان از سال ۱۷۳۵ تا ۱۸۳۵ را در نظر بگیرید. از میان شش فیلسوفی که در دیاگرام نشان داده شده‌اند و وابستگی مهمی دارند، چهار فیلسوف روابط جدالی بسیار مهمی دارند. در حقیقت تنها دو فیلسوف در این شبکه که بیشترین رسوایی و بدنامی را دارند (مثل کانت و هگل)، ارتباطات متضاد بسیاری بعنوان آشنا یا استاد یا دانشجو دارند. درحالیکه کالینز بیان می‌کند که این موقعیت اصلی شبکه درون مجموعه از ارتباطات بین‌آشنایان، استادان یا دانشجویان است (نوع تبادل سازمان یافته ee^+) که برای استعداد فلسفی و خلاقانه الهامات جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند، احتمال دارد که ارتباطات متضاد

(مطمئناً بصورت ee^- پیوند دارند) بعنوان نیروهای انگیزشی مهم برای فعالیت خلاقانه و فلسفی بکار رود. در آنالیز شخصی کالینز، افراد خلاق به سادگی تحت تاثیر اشتیاق و طراوت موجود در شبکه‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرند. چنین افرادی توسط مبارزه‌های عقلی و رقابت شبیه‌سازی شده توسط رقیبان تحت تاثیر قرار می‌گیرند. در بررسی آنالیز کالینز از فلسفه‌ها، لازم به توجه است که فیلسوفانی که توسط ارتباطات متضاد (ee^-) احاطه شده‌اند، هرگز به رسوایی دست نمی‌یابند. به نظر می‌رسد که ee^- که توسط پایه‌های ee^+ حمایت نمی‌شود، حاصل سودمندی شخصی را تحمل نمی‌کند؛ با این وجود ee^- که توسط ee^+ مهار شده است، پایه و ساسی را برای شبیه‌سازی عقلی و خلاق فراهم می‌کنند که به انرژی انگیزشی، تضمیم و موفقیت منجر می‌شود.

به عقیده‌ی ما ترکیب اثرات ee^+ و ee^- است که می‌تواند برخی از نتایج خلاقانه، وادار کننده و حتی مخرب از احساس را فراهم کند. بعنوان مثال، می‌توانیم افراد یا گروه‌ها را بصورت وفادار و همبسته به گروه داخلی (ee^+)، و تنش و ناامیدی درخارج از گروه مخالف (ee^-) تصور کنیم؛ مثل کمانی که در "خودکشی نوع دوستانه" شرکت می‌کنند. این پویایی‌های احساسی در میان گروه‌های مخالف در جنگ، ورزش، اعتراض‌ها، کمپین‌های سیاسی، رقابت‌ها عقلانی یا حتی نزاعی در حیاط مدرسه، یافت می‌شود. با افزایش شدت این احساسات، آنها می‌توانند درون چرخه‌های خشونت حضور یابند که معمولاً در گردن کلفتی، نزاع‌های موروثی، انتقام‌گیری، گروه‌های دشمنی و گروه جنایتکاران یافت می‌شود. آنالیز ترنر این نکته را تایید کرده و بیان می‌کند که احساس "خشم پرهیزگار" و "انتقام" (که

بعنوان ترکیب ee^- و ee^+ دیده می‌شوند) اغلب باعث ایجاد جدال مخرب شده و محصول تاثیر مثبت شدت همبستگی درون گروهی (ee^+) و استفاده از احساسات منفی (ee^-) در مقابل دشمنان می‌باشد.^{۳۸}

۵) نتیجه‌گیری:

در این مقاله بیان کردیم که تئوری IRT کالینز می‌تواند از مفهوم قدرتمندتر و پیچیده‌تر احساسی، خصوصاً بررسی پویایی منفی آن، منفعت ببرد. آیین‌های تعاملی به سادگی "بالا و پایین"های احساسی را بوجود نمی‌آورند؛ همچنین اغلب نتایج منفی و نامطلوبی در پی داشته و احساسات قوی و مداومی از عدم ارتباط یا دشمنی را ایجاد می‌کند که "احساس منفی" نام دارد. ما معتقدیم که مفهوم ee^- می‌تواند برای گسترش تئوری IRT، با استفاده از ایجاد تحلیل‌های اضافی و دقیق برای بررسی جدال‌های بین فردی و گروهی، بکار برده شود.

۳۸ - از نگاه زنجیره‌ای مناسکی تعامل همهٔ مشارکت‌کنندگان در فرایند گفتگو هم سرمایه فرهنگی هم انرژی احساسی داده شده در مکالمه‌های پیشین را جاری می‌سازند و منبع سومی وجود دارد که چرخشی است و اعتبار اجتماعی شخص و هویت پیشین اوست.

در مدل زنجیره‌ای مناسکی تعامل، جایی که زنجیره‌های فردی افراد مختلف یکدیگر را قطع می‌کنند به وسیله جمع شدن آنچه از زنجیره قبلی خود آنان وجود دارد (جایگاه آنان در شبکه اجتماعی)، در واقع نقش‌های اجتماعی و رفتارهای اکتسابی قبلی رفتارهای بعدی را تعیین می‌کند. منابع واقعی این هویت‌های ساختی از نظر کالینز دارایی و قدرت است.

درحالیکه شش قضیه ابتدایی برای معرفی ایده‌ی ee^- ارائه کردیم، معتقدیم که چندین پرسش بدون پاسخ باقی مانده اند. اول، چگونه سطوح متفاوت ee^- و ee^+ (بالا یا پایین) بصورت نتایج ویژه ترجمه می‌شوند؟ بعنوان مثال، آیا دو گروه با ee^+ داخلی زیاد و ee^- زیاد در مقابل یکدیگر، شرایطی را برای یک رقابت شدید، خشن و طولانی بوجود می‌آورند؟ چگونه این تضاد تغییر می‌کند، زمانیکه یک گروه ee^+ بالا داشته و یا گروه دیگر ee^- پایین دارد؟ دوم، چگونه فرآیندهای مربوطه بر پویایی احساس اثرگذارند؟ چگونه ee^- و ee^+ به ارتباطات شخصی مربوط می‌شوند؟ چگونه بر ویژگی‌های داخل و خارج گروه اثرگذارند؟ تحت چه شرایطی این ویژگی‌ها بوجود می‌آیند؟ سوم، تجربه‌های پدیداری ee^- و ee^+ کدام اند؟ چگونه تجربه‌های عینی احساس بر پویایی درک از خود، هویت خود، شناخت و الگوهای تفکر تاثیرگذار است؟ چهارم، زمانی که احساس پذیرفته نشود، چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا خیانت باعث از دست رفتن ee^+ می‌شود و یا به حالت مخالف خود یعنی ee^- تبدیل می‌گردد؟ بطور مشابه، در صورت تایید احساس چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ سوال آخر، چگونه می‌توان از فرآیندهای ee^- و ee^+ برای درک سناریوهای دنیای واقعی که شامل احساسات پیچیده مثبت و منفی مثل خشونت خانگی، جدال جنایتکاران، فعالیت‌های گروه‌های دشمنی یا حتی اکتشاف عقلی استفاده نمود.

امید ما این است که درک وسیعی از احساس پیدا کنیم تا تئوری آیین‌های تعاملی را از لحاظ مفهومی و تجربی توسعه دهیم. تئوری IRT نه تنها یک توسعه مهم و معاصر با میراث جامعه شناختی

احساسات دورکیم است؛ بلکه به ما کمک می‌کند تا پویایی احساسات را در تعاملات رودررو درک کنیم. توسعه و اصلاح IRT نه‌تنها مفهوم احساس را توسعه می‌دهد، بلکه ما را به سمت درک عمومی‌تر از توسعه احساسات درون، تعاملات اجتماعی، پویایی گروه و تجربه‌های عینی حرکت می‌دهد. چنانچه کالینز بیان می‌کند، مفهوم احساس به ما کمک می‌کند تا "قدرت احساسی" تعهدات اجتماعی و تجربه‌های احساسی خود را با استقلال بیان کنیم. یک مفهوم قوی درباره احساس ما را به سمت تحلیل دقیق‌تر از جریان احساسات در جهان اجتماعی و نحوه‌ی انرژی دادن این احساسات به تجارب احساسی مثبت و منفی ما، هدایت می‌کند. بطور واضح، فرصت‌های قابل ملاحظه‌ای برای توسعه و پیشرفت تئوری تعاملات در آینده وجود دارد. امید است که این مقاله سهم خود را در گسترش IRT و ارتقای درکی از پویایی احساسی جهان اجتماعی ایفا کرده باشد.

References:

- Emile Durkheim. *The Elementary Forms of Religious Life*. New York: The Free Press, 1912/1965. [Google Scholar]
- Erving Goffman. *Interaction Rituals*. New York: Doubleday, 1967. [Google Scholar]
- Randall Collins. *The Sociology of Philosophies*. Cambridge, MA: Harvard University Press, 1998. [Google Scholar]
- Randall Collins. "The Sociology of Philosophies: A Précis." *Philosophy of the Social Sciences* 30 (2000): 157–201. [Google Scholar] [CrossRef]
- Anne Heider, and R. Stephen Warner. "Bodies in Sync: Interaction Ritual Theory Applied to Sacred Harp Singing." *Sociology of Religion* 71 (2010): 76–97. [Google Scholar] [CrossRef]

- Jeffrey L. Kidder. "Bike Messengers and the Really Real: Effervescence, Reflexivity, and Postmodern Identity." *Symbolic Interaction* 29 (2006): 349–71. [Google Scholar] [CrossRef]
- Rich S. Ling. *New Tech, New Ties*. Cambridge, MA: MIT Press, 2008. [Google Scholar]
- Catherine Milne, and Tracey Otieno. "Understanding Engagement: Science Demonstrations and Emotional Energy." *Science Education* 91 (2007): 523–53. [Google Scholar] [CrossRef]
- Stacy Olitsky. "Promoting Student Engagement in Science: Interaction Rituals and the Pursuit of a Community of Practice." *Journal of Research in Science Teaching* 44 (2006): 33–56. [Google Scholar] [CrossRef]
- David L. Preston. *The Social Organization of Zen Practice: Constructing Transcultural Reality*. Cambridge, MA: Cambridge University Press, 1988. [Google Scholar]
- David Sallach. "Modeling Emotional Dynamics: Currency versus Field." *Rationality and Society* 20 (2008): 343–65. [Google Scholar] [CrossRef]
- Erika Summers-Effler. "The Micro Potential for Social Change: Emotion, Consciousness, and Social Movement Formation." *Sociological Theory* 20 (2002): 41–60. [Google Scholar] [CrossRef]
- Erika Summers-Effler. "A Theory of Self, Emotion and Culture." *Advances in Group Processes* 21 (2004): 273–308. [Google Scholar]
- Erika Summers-Effler. "Defensive Strategies: The Formation and Social Implications of Patterned Self-Destructive Behavior." *Advances in Group Processes* 21 (2004): 309–25. [Google Scholar]
- Theodore D. Kemper. "How Many Emotions are there? Wedding the Social and Autonomic Components." *American Journal of Sociology* 93 (1987): 263–89. [Google Scholar] [CrossRef]
- Jonathan H. Turner. "Toward a General Sociological Theory of Emotions." *Journal for the Theory of Social Behaviour* 29 (1999): 132–62. [Google Scholar] [CrossRef]
- Jonathan H. Turner. *On the Origins of Human Emotions: A Sociological Inquiry into the Evolution of Human Affect*. Stanford: Stanford University Press, 2000. [Google Scholar]

- Randall Collins. "Emotional Energy as the Common Denominator of Rational Action." *Rationality and Society* 5 (1993): 203–30. [Google Scholar] [CrossRef]
- Randall Collins. *Violence: A Micro-Sociological Theory*. Princeton: Princeton University Press, 2008. [Google Scholar]
- Randall Collins. *Conflict Sociology: Toward an Explanatory Science*. New York: Academic Press, 1975. [Google Scholar]
- Randall Collins. "On the Microfoundations of Macrosociology." *American Journal of Sociology* 86 (1981): 984–1014. [Google Scholar] [CrossRef]
- Randall Collins. *Interaction Ritual Chains*. Princeton: Princeton University Press, 2004. [Google Scholar]
- Randall Collins. "C-Escalation and D-Escalation: A Theory of the Time-Dynamics of Conflict." *American Sociological Review* 77 (2012): 1–20. [Google Scholar] [CrossRef]
- Robert Hanneman, and Randall Collins. "Modeling Interaction Ritual of Solidarity." In *The Problem of Solidarity: Theories and Models*. Edited by Patrick Doreian and Tom Farraro. New York: Gordon and Breach, 1998. [Google Scholar]
- Theodore D. Kemper, and Randall Collins. "Dimensions of Microinteraction." *American Journal of Sociology* 96 (1990): 32–68. [Google Scholar] [CrossRef]
- Randall Collins. *Theoretical Sociology*. San Diego: Harcourt, Brace, Jovanovich, 1988. [Google Scholar]
- Theodore D. Kemper. *A Social Interactional Theory of Emotions*. New York: Wiley, 1978. [Google Scholar]
- Randall Collins. "Situational Stratification: A Micro-Macro Theory of Inequality." *Sociological Theory* 18 (2000): 17–43. [Google Scholar] [CrossRef]
- Randall Collins. "Toward a Neo-Meadian Theory of Mind." *Symbolic Interaction* 12 (1989): 1–32. [Google Scholar] [CrossRef]
- Randall Collins. "Can Sociology Create an Artificial Intelligence?" In *Sociological Insight: An Introduction to Non-Obvious Sociology*. Edited by Randall Collins. New York: Oxford University Press, 1992. [Google Scholar]

- George Herbert Mead. *Mind, Self and Society*. Chicago: University of Chicago Press, 1934. [Google Scholar]
- Randall Collins. "Alienation as Ritual and Ideology." In *Weberian Sociological Theory*. Edited by Randall Collins. New York: Cambridge University Press, 1986, pp. 247–63. [Google Scholar]
- Thomas J. Scheff, and Suzanne M. Retzinger. *Emotions and Violence: Shame and Rage in Destructive Conflicts*. Lanham: Lexington Books, 1991. [Google Scholar]
- Nietzsche Friedrich. *On The Genealogy of Morals*. New York: Vintage Books, 1887/1967. [Google Scholar]
- Thomas J. Scheff. *Microsociology: Discourse, Emotion and Social Structure*. Chicago: Chicago University Press, 1990. [Google Scholar]
- Harold Garfinkel. *Studies in Ethnomethodology*. New York: Prentice Hall, 1967. [Google Scholar]
- Durkheim Emile. *The Division of Labor in Society*. New York: The Free Press, 1893/1964. [Google Scholar]
- Randall Collins. "Stratification, Emotional Energy, and the Transient Emotions." In *Research Agendas in the Sociology of Emotions*. Edited by Theodore D. Kemper. Albany: SUNY Press, 1990, pp. 27–57. [Google Scholar]
- Jonathan H. Turner. "Emotions and Social Structure: Toward a General Sociological Theory." In *Social Structure and Emotions*. Edited by Jody Clay-Warner and Dawn Robinson. New York: Elsevier, Inc., 2008, pp. 141–65. [Google Scholar]
- Leonie Huddy. "Group Membership, Ingroup Loyalty, and Political Cohesion." In *Handbook of Political Psychology*. Edited by David O. Sears, Leonie Huddy and Robert Jervis. New York: Oxford University Press, 2003, pp. 511–58. [Google Scholar]
- Jacques-Philippe Leyens, Paola M. Paladino, Ramon Rodriguez-Torres, Jeroen Vaes, Stephanie Demoulin, Armando Rodriguez-Perez, and Ruth Gaunt. "The Emotional Side of Prejudice: The Attribution of Secondary Emotions to Ingroups and Outgroups." *Personality and Social Psychology Review* 4 (2000): 186–97. [Google Scholar] [CrossRef]
- Hank Rothgerber. "External Intergroup Threat as an Antecedent to Perceptions in In-Group and Out-Group Homogeneity." *Journal of Personality and*

- Social Psychology 73 (1997): 1206–12. [Google Scholar] [CrossRef] [PubMed]
- Theodore D. Kemper. "Predicting Emotions from Social Relations." Social Psychology Quarterly 54 (1991): 330–42. [Google Scholar] [CrossRef]
- Michael J. Lovaglia, and Jeffrey A. Houser. "Emotional Reactions and Status in Groups." American Sociological Review 61 (1996): 867–83. [Google Scholar] [CrossRef]
- Anne M. O'Leary-Kelly, Ricky W. Griffin, and David J. Glew. "Organization-Motivated Aggression: A Research Framework." The Academy of Management Review 21 (1996): 225–53. [Google Scholar]
- P. Niels Christensen, Hank Rothgerber, Wendy Wood, and David C. Matz. "Social Norms and Identity Relevance: A Motivational Approach to Normative Behavior." Personality and Social Psychology Bulletin 30 (2004): 1295–309. [Google Scholar] [CrossRef] [PubMed]
- Beverly Fehr. Friendship Processes. Thousand Oaks: Sage, 1996. [Google Scholar]
- Patricia M. Sias, Renee G. Heath, Tara Perry, Deborah Silva, and Bryan Fix. "Narratives of Workplace Friendship Deterioration." Journal of Social and Personal Relationships 21 (2004): 321–40. [Google Scholar] [CrossRef]
- Roberta Senechal De La Roche. "Why is Collective Violence Collective?" Sociological Theory 19 (2001): 126–44. [Google Scholar] [CrossRef]
- Elizabeth Kensinger. "Negative Emotion Enhances Memory Accuracy: Behavioral and Neuroimaging Evidence." Current Directions in Psychological Science 16 (2007): 213–18. [Google Scholar] [CrossRef]
- Peter Burke. "Identity Process and Social Stress." American Sociological Review 56 (1991): 836–49. [Google Scholar] [CrossRef]
- David Heise. Understanding Events: Affect and the Construction of Social Action. Cambridge, MA: Cambridge University Press, 1979. [Google Scholar]
- Erving Goffman. "The Nature of Deference and Demeanor." American Anthropologist 58 (1956): 473–99. [Google Scholar] [CrossRef]
- Michael E. McCullough, Lindsey Root Luna, Jack W. Berry, Benjamin A. Tabak, and Giacomo Bono. "On the Form and Function of Forgiving: Modeling the Time-Forgiveness Relationship and Testing the Valuable

- Relationships Hypothesis.” *Emotion* 10 (2010): 358–76. [Google Scholar] [CrossRef] [PubMed]
- Charlotte Van Oyen Witvliet, Thomas E. Ludwig, and Kelly L. Vander Laan. “Granting Forgiveness or Harboring Grudges: Implications for Emotion, Physiology, and Health.” *Psychological Science* 12 (2001): 12117–23. [Google Scholar] [CrossRef]
- Michael J. A. Wohl, and April L. McGrath. “The Perception of Time Heals All Wounds: Temporal Distance Affects Willingness to Forgive Following an Interpersonal Transgression.” *Personality and Social Psychology Bulletin* 33 (2007): 1023–35. [Google Scholar] [CrossRef] [PubMed]
- Carl E. Thoresen, Alex H. S. Harris, and Fredric Luskin. “Forgiveness and Health: An Unanswered Question.” In *Forgiveness: Theory, Research, and Practice*. Edited by Michael E. McCullough, Kenneth I. Pargament and Carl E. Thoresen. New York: Guilford Press, 1999, pp. 254–80. [Google Scholar]
- Loren Toussaint, and Jon R. Webb. “Theoretical and Empirical Connections between Forgiveness, Mental Health, and Well-Being.” In *Handbook of Forgiveness*. Edited by Everett L. Worthington Jr. New York: Routledge, 2005, pp. 349–62. [Google Scholar]
- Helen B. Lewis. *Shame and Guilt in Neurosis*. New York: International Universities Press, 1971. [Google Scholar]
- Lenore E. Walker. *The Battered Woman*. New York: Harper and Row, 1979. [Google Scholar]
- Michael J. Strube, and Linda S. Barbour. “Factors Related to the Decision to Leave an Abusive Relationship.” *Journal of Marriage and Family* 46 (1984): 837–44. [Google Scholar] [CrossRef]
- Anita P. Barbee. “Interactive Coping: The Cheering up Process in Close Relationships.” In *Personal Relationships and Social Support*. Edited by Steve Duck and Roxanne Cohen Silver. London: Sage, 1990, pp. 46–65. [Google Scholar]
- Nancy L. Collins, and Brooke C. Feeney. “A Safe Haven: An Attachment Theory Perspective on Support Seeking and Caregiving in Intimate Relationships.” *Journal of Personality and Social Psychology* 78 (2000): 1053–73. [Google Scholar] [CrossRef] [PubMed]
- M. Lynne Cooper, Michael R. Frone, Marcia Russel, and Pamela Mudar. “Drinking to Regulate Positive and Negative Emotions: A Motivational

- Model of Alcohol Use.” *Journal of Personality and Social Psychology* 69 (1995): 990–1005. [Google Scholar] [CrossRef] [PubMed]
- Edward J. Lawler, Shane R. Thye, and Jeongkoo Yoon. “Emotion and Group Cohesion in Productive Exchange.” *American Journal of Sociology* 106 (2000): 616–57. [Google Scholar] [CrossRef]
- Sigal G. Barsade. “The Ripple Effect: Emotional Contagion and its Influence on Group Behavior.” *Administrative Science Quarterly* 47 (2002): 644–75. [Google Scholar] [CrossRef]
- Randall Collins. “Rituals of Solidarity and Security in the Wake of Terrorist Attack.” *Sociological Theory* 22 (2004): 53–87. [Google Scholar] [CrossRef]
- James Jasper. “The Emotions of Protest: Affective and Reactive Emotions in and around Social Movements.” *Sociological Forum* 13 (1998): 397–424. [Google Scholar] [CrossRef]
- Jan E. Stets, and Teresa Tsushima. “Negative Emotion and Coping Responses within Identity Control Theory.” *Social Psychology Quarterly* 64 (2001): 283–95. [Google Scholar] [CrossRef]
- Henri Tajfel, and John C. Turner. “An Integrative Theory of Intergroup Conflict.” In *The Social Psychology of Intergroup Relations*. Edited by William G. Austin and Stephen Worchel. Monterey: Brooks/Cole, 1979, pp. 33–47. [Google Scholar]
- Michael A. Hogg, and Dominic Abrams, eds. “Social Motivation, Self-Esteem and Social Identity.” In *Social Identity Theory: Constructive and Critical Advances*. New York: Harvester Wheatsheaf, 1990.
- Marilynn B. Brewer. “The Psychology of Prejudice: Ingroup Love or Outgroup Hate?” *Journal of Social Issues* 55 (1999): 429–44. [Google Scholar] [CrossRef]
- Helena Syna Desivilya, and Dana Yagil. “The Role of Emotions in Conflict Management: The Case of Work Teams.” *International Journal of Conflict Management* 16 (2005): 55–69. [Google Scholar] [CrossRef]
- Miles Hewstone, Mark Rubin, and Hazel Willis. “Intergroup Bias.” *Annual Review of Psychology* 53 (2002): 575–604. [Google Scholar] [CrossRef] [PubMed]
- Stanley Schachter. *The Psychology of Affiliation*. Stanford: Stanford University Press, 1959. [Google Scholar]

Russell Spears, Bertjan Doosje, and Naomi Ellemers. "Self-Stereotyping in the Face of Threats to Group Status and Distinctiveness: The Role of Group Identification." *Personality and Social Psychology Bulletin* 23 (1997): 538–53. [Google Scholar] [CrossRef]

Diane M. Mackie, Thierry Devos, and Eliot R. Smith. "Intergroup Emotions: Explaining Offensive Action Tendencies in an Intergroup Context." *Journal of Personality and Social Psychology* 79 (2000): 602–16. [Google Scholar] [CrossRef] [PubMed]

Jennifer A. Jones. "Who Are We? Producing Group Identity through Everyday Practices of Conflict and Discourse." *Sociological Perspectives* 54 (2011): 139–61. [Google Scholar] [CrossRef]

Eran Halperin. "Group-Based Hatred in Intractable Conflict in Israel." *Journal of Conflict Resolution* 52 (2008): 713–36. [Google Scholar] [CrossRef]

Lewis Coser. *The Functions of Social Conflict*. New York: The Free Press, 1956. [Google Scholar]

Steven M. Graham, and Margaret S. Clark. "Self-Esteem and Organization of Valenced Information about Others: The 'Jekyll and Hyde'-ing of Relationship Partners." *Journal of Personality and Social Psychology* 90 (2006): 652–65. [Google Scholar] [CrossRef] [PubMed]

Simon M. Laham, Tania Tam, Mansur Lalljee, Miles Hewstone, and Alberto Voci. "Respect for Persons in the Intergroup Context: Self-Other Overlap and Intergroup Emotions as Mediators of the Impact of Respect on Action Tendencies." *Group Processes and Intergroup Relations* 13 (2009): 301–17. [Google Scholar] [CrossRef]

Emile Durkheim. *Suicide*. New York: The Free Press, 1897/1951. [Google Scholar]

© 2015 by the authors; licensee MDPI, Basel, Switzerland. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی کاربردی و پژوهش‌های اجتماعی (شماره ۳ بهار ۱۴۰۱)

Abstract

Randall Collins' theory of interaction ritual chains is widely cited, but has been subject to little theoretical elaboration. One reason for the modest expansion of the theory is the underdevelopment of the concept of emotional energy. This paper examines emotional energy, related particularly to the dynamics of negative experiences. It asks whether or not negative emotions produce emotional energies that are qualitatively distinct from their positive counterparts. The analysis begins by tracing the development of Interaction Ritual Theory, and summarizes its core propositions. Next, it moves to a conceptualization of a "valenced" emotional energy and describes both "positive" and "negative" dimensions. Six propositions outline the central dynamics of negative emotional energy. The role of groups in the formation of positive and negative emotional energy are considered, as well as how these energies are significant sources of sociological motivation.

Keywords: sociological theory; sociology of emotions; rituals; social interaction; group dynamics

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی کاربردی و پژوهش‌های اجتماعی (شماره ۳ بهار ۱۴۰۱)